

نوشته: ریچارد جی. دریس کول

ترجمه: محسن محبی

بنقل از: مجله حقوق بین الملل ورجینیا

شماره ۲-۲۰ سال ۱۹۸۰



نقش

اعتبارنامه های تضمینی در تجارت بین المللی

«تأملاتی پس از انقلاب ایران»





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اشاره:

امروزه بانکها نقش بسیار مهمی در تسهیل مراودات و معاملات تجاری داخلی و بین‌المللی دارند. خصوصاً در صحنهٔ تجارت بین‌المللی بحرات می‌توان ادعا کرد که هیچ معامله یا قرارداد بین‌المللی بدون مداخله و مساعدت بانکها انجام پذیر نیست؛ زیرا ابداع و بکارگیری ابزارهای مختلف بانکی از قبیل اعتبارات اسنادی و ضمانتنامه‌های بانکی، بسیاری از مشکلات ناشی از بُعد مسافت و تماس مستقیم بین بازرگانان بین‌المللی را، در عین حفظ دو مشخصهٔ عمدهٔ تجارت یعنی سرعت و دقت، حل کرده است. معذک بانکها اصرار و مراقبت دارند که عهده‌دار شدن این نقش آنها را از وظیفه و هدف اصلی خود که همانا بانکداری است، دور نکند؛ بلکه بعنوان یک «بانک» به ایفای آن پردازند. همین موضوع، مداخلهٔ آنها در تجارت بین‌المللی را به امر سهل و ممتنعی تبدیل کرده است؛ عبارت دیگر بانکها در عین ارتباط و درگیری در معاملات و قراردادهای بین‌المللی، مایل نیستند از روابط قراردادی مشتریان خود با اشخاص ثالث تأثیر پذیرند.

تدوین مقررات متحدالشکل مختلف در مورد عملیات عمدهٔ بانکداری بین‌المللی، مانند مقررات مربوط به اعتبارات اسنادی، ضمانتنامه‌ها و اسناد وصولی از طریق اتاق تجارت بین‌المللی، و تعیین حدود و ثغور مسئولیتهای بانکها، از جمله تمهیداتی است که برای حل

این موضوع سهل و ممتنع وجود دارد؛ اما راه حل‌های مذکور فی نفسه مانع از درگیر شدن بانکها در اختلافات و دعاوی بین طرفین قرارداد اصلی نیست؛ بلکه پس از بروز مشکل است که تمهیدات مذکور بکار می‌آید و بانک را از صحنه اختلاف می‌رهاند.

مقاله حاضر، به گمان مترجم یکی از بهترین مقالاتی است که در خصوص مسائل حقوقی این نوع مکانیسم‌های بین‌المللی بانکی، با توجه خاص به ضمانتنامه‌های بین‌المللی نوشته شده است. اگرچه این مقاله جامع کلیه مسائل حقوقی مذکور نیست، اما از این حیث که به تجزیه و تحلیل ابزارهای بانکی متداول در تجارت بین‌المللی پرداخته و سپس خصوص مورد دعاوی ایران در این باب را مورد بررسی قرار داده، قابل توجه است. علاوه بر راه حل‌هایی که نویسنده در خاتمه مقاله خود برای استفاده از ابزارهای تضمینی بین‌المللی در آینده ارائه می‌کند، علاوه بر اینکه متضمن تحلیل بیشتر آنهاست، بازگو کننده مشکلات حقوقی کاربرد آن نیز هست.

ذکر این نکته در پایان مقدمه ضروری است که در سراسر این ترجمه سعی شده حتی المقدور اصالت متن، خصوصاً در جایی که حاوی مطلب حقوقی بوده، حفظ شود، ولو از سلاست و روانی آن بکاهد؛ معذک که مفهوم فدای لفظ نشده است. بلحاظ وسواس مترجم در وفادار ماندن به متن، آنچه برای تسهیل درک مطلب بر متن اصلی اضافه شده، غالباً در پرانتز آمده است؛ اما این نوع عبارات بدون پرانتز هم معنی دارد. هر کجا که توضیحی ضروری بوده بصورت پاورقی (مترجم) ذکر شده است و بقیه پاورقیها و رفرنسها از متن نقل شده است. از بعضی از مطالب که تکراری بوده با محتوای حقوقی خاصی نداشته نیز چشم پوشی شده است.

چه خوب است اگر نکته‌پردازان و دقیق‌اندیشان مترجم را از راهنمایی و یادآوری خود محروم نکنند و از این رهگذر براو منت گذارند.

سقوط حکومت شاهنشاهی در ایران، ارزش اعتبارنامه‌های تضمینی را بعنوان وسیله‌ای جهت تأمین و تضمین تجارت بین‌المللی با تردید بزرگی مواجه نموده است. پیمانکارانی که به بانکهای آمریکائی دستور صدور اعتبارنامه‌های تضمینی بدون قید و شرط بنفع بانکهای ایرانی را داده بودند، از محاکم نیویورک و فدرال تقاضا کردند که قراری مبنی بر ممنوع شدن بانکهای صادرکننده از اجابت مطالبه بانکهای ایرانی، صادر نمایند.

اما صادرکنندگان این اعتبارنامه‌ها استدلال می‌کردند که اگر محاکم، پرداخت اعتبارنامه‌های تضمینی را ممنوع کنند، فایده این ابزار (در تجارت بین‌المللی) به مخاطره خواهد افتاد و این امر نیز بنوبه خود در تجارت بین‌المللی ایالات متحده، تأثیر نامطلوبی خواهد گذارد. روشن شدن این مسائل موکول به این است که معلوم شود طرفین یک معامله بین‌المللی در چه مواردی برای تضمین انجام تعهد ناشی از قرارداد یا پرداخت بدهی، از اعتبارنامه استفاده می‌کنند.

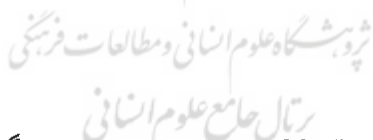
در این مقاله، ابتدا مشخصات مهم سه نوع ابزار اصلی، یعنی اعتبارنامه تجارتي (اعتبار اسنادی)، اعتبارنامه تضمینی (ضمانتنامه)

بانکی) و ضمانتنامه (به معنای اخص)^۱ توصیف می شود، و بعد دعاوی مربوط به ایران و تأثیر آنها بر فایده و کاربرد اعتبارنامه تضمینی در معاملات بین المللی مورد تجزیه و تحلیل واقع خواهد شد، و سپس اینکه اعتبارنامه تضمینی در یک معامله بین المللی چه موقع و بچه شکل توسط طرفین معامله مورد استفاده واقع می شود، مورد بررسی قرار می گیرد، و سرانجام برای استفاده آتی از اعتبارنامه تضمینی در معاملات بین المللی، نقطه نظرها و پیشنهاداتی ارائه خواهد شد.

۱

ابزارهای تجارت بین المللی

ماهیت اعتبارنامه تضمینی هنگامی بخوبی روشن می شود که با اوصاف دیگر ابزارهای تجارت بین المللی، یعنی اعتبارنامه تجارتي و ضمانتنامه، مورد مقایسه واقع شود. طی این مقاله اوصاف هر سه نوع این ابزارها، بمنظور تشریح فونکسیون (کارکرد) و شکل اعتبارنامه تضمینی، بررسی می شود.



۱. در عرف متداول بانکی Letter of Credit به «اعتبار اسنادی» گویند؛ ولی چون «اصطلاح اعتبار اسنادی» غالباً هنگامی بکار می رود که موضوع آن پرداخت بهای کالا در یک معامله و خرید و فروش بین المللی باشد، علیهذا در سراسر این ترجمه Letter of Credit «اعتبارنامه» ترجمه شده است. منتهی هر کجا که منظور اعتبار اسنادی بمعنای فوق بوده، عبارت «اعتبارنامه تجارتي» بکار رفته است و هر کجا که منظور ضمانتنامه بانکی بمعنای متداول در عرف ما بوده، از عبارت «اعتبارنامه تضمینی» استفاده شده است و واژه «ضمانتنامه» هنگامی بکار رفته که در خود متن Guarantee آمده باشد. بنابراین کاربرد اصطلاحات فوق در این ترجمه بصورت زیر خواهد بود:

(Commercial L/C) اعتبارنامه تجارتي: اعتبار اسنادی متداول در عرف ما.

(Standby L/C) اعتبارنامه تضمینی: ضمانتنامه بانکی متداول در عرف ما.

(Guarantee) ضمانتنامه: ضمان بمعنای متداول در عرف ما با تفاوتی مختصری که از حوصله این مقاله خارج است. (مترجم).

الف. اعتبارنامه‌ها بطور کلی

اعتبارنامه عبارت است از «تعهد یک بانک یا هر شخص دیگر بنابه تقاضای دستوردهنده، مبنی بر اینکه بعنوان صادرکننده، بروات یا سایر مطالبه‌ها (ی ذینفع) را بشرط تطبیق آنها با شرایط مقرر در اعتبار، پرداخت نماید.»^۲ هر معامله اعتبارنامه، نوعاً دارای سه طرف مختلف است: «صادر کننده» (Issuer) یعنی بانکی که اعتبارنامه را صادر و گشایش کرده است، «دستور دهنده یا مشتری» (Customer) یعنی کسی که از صادر کننده تقاضای گشایش اعتبار را نموده است، و «ذینفع» (Beneficiary) اعتبار، یعنی کسی که مطابق شرایط اعتبار، حق صدور برات یا مطالبه وجه آن را دارد.

هر اعتبارنامه، خواه تجارتي و خواه تضمینی، حاوی سه قرارداد جداگانه است:

— در قرارداد نخستین «دستور دهنده» با «ذینفع» توافق می‌کند که پس از تحقق شرایط خاصی، مبلغ معینی به ذینفع پرداخت شود. مثلاً در اعتبارنامه تجارتي متداول، هرگاه ذینفع اسنادی را که حاکی از ارسال و حمل کالای موضوع قرارداد برای دستور دهنده باشد ارائه نماید، دستور دهنده در مقابل وی یک تعهد مالی (پرداخت بهای کالا) پیدا می‌کند. در اعتبارنامه تضمینی نیز هرگاه دستور دهنده از انجام تعهد مقرر در قرارداد یا پرداخت دین موضوع قرارداد قصور ورزد، یک تعهد مالی (مبنی بر پرداخت خسارت یا ایفای دین) بر ذمه او قرار می‌گیرد.

هرگاه که ذینفع به توانائی یا تقید دستور دهنده در انجام تعهدات مالیش اعتماد کافی نداشته باشد، دستور دهنده بمنظور اطمینان دادن به او

۲. به ماده ۵-۱۰۳-۱ الف از مقررات متحد الشکل تجارت آمریکا ۱۹۷۲ (U.C.C.) و همچنین به قسمت «تعاریف و اصطلاحات» بند ب- مقررات متحد الشکل اعتبارات اسنادی مصوب اتالی تجارت بین الملل — ۱۹۷۴ (U.C.P.) مراجعه کنید.

از حیث انجام تعهد، از بانکی که مورد اعتماد و قبول ذینفع باشد، تقاضا می کند که اعتبارنامه ای را بنفع وی صادر کند. به این ترتیب ذینفع نسبت به انجام تعهدات مالی ناشی از قرارداد اصلی، حصول اطمینان می کند.

— در قرارداد دوم دستور دهنده در مقابل بانک صادر کننده متعهد می شود که پس از اینکه بانک مذکور برات یا هرگونه مطالبه مستند به اعتبارنامه را قبول یا پرداخت کرد، وجه مربوط را به او باز پرداخت و مسترد کند.

— بدین قرار، قرارداد سوم بین بانک صادر کننده اعتبار و ذینفع آن منعقد می شود که بموجب آن بانک متعهد می شود برات یا مطالبه او به استناد اعتبارنامه را مشروط به اینکه با شرایط آن نیز منطبق باشد، قبول یا پرداخت کند.

قاعده اساسی در «اعتبارنامه» این است که قرارداد اعتبارنامه از قرارداد اصلی (موضوع آن، که بین دستور دهنده و ذینفع منعقد شده) کاملاً جدا و مستقل است. دادگاهها این قاعده را طی آرای صادره در دعاوی خیلی دیرین مربوط به «اعتبارنامه تجارتي» مانند دعوی *O Meara Co. V. National Park Bank*³ و دعوی *Sztejn V. J. Henry Schroder Banking Corp.*⁴ بصورگوناگون بیان کرده اند. قانون تجارت متحدالشکل (U.C.C) Uniform Commercial Code که در قلمرو داخلی آمریکا اجرا می شود و همچنین مقررات و رویه های متحدالشکل اعتبارات اسنادی (U.C.P.) Uniform Customs and Practices for Documentary Letters of Credit که دارای قلمرو بین المللی است، این قاعده را بصورت مدون در آوردند. محاکم اعتبار این قاعده را در مورد اعتبارنامه های تضمینی پذیرفته و مورد تأیید مجدد قرار داده اند.

دادگاه عالی پنسیلوانیا مقرر کرده است که: «فایده بزرگ

3. 239 N.Y. 386, 149 N.E. 636 (1925): Courts may not look beyond the documents required in the terms of the letter of credit.

4. 177 Misc. 719, 31 N.Y.S.2d 731 (Sup. Ct. 1941): Courts cannot hear any of the customer's defenses upon the underlying contract.

اعتبارنامه‌ها، ناشی و منبعث از استقلال و جدا بودن تعهد بانک صادر کننده آنها، از قرارداد اصلی فیما بین دستور دهنده و ذینفع است.^۵ هر سه طرف یک اعتبارنامه، (یعنی صادر کننده، ذینفع و دستور دهنده)، از این قاعده بهره‌مند می‌شوند: ذینفع، از این حیث که بانک صادر کننده در مقابل او، دارای تعهد مستقل و قطعی پرداخت — در ازای تسلیم اسناد منطبق با شرایط اعتبار می‌باشد. هیچ‌گونه ادعای احتمالی دستور دهنده علیه ذینفع، به استثنای تقلب (Fraud) در معامله، بانک صادر کننده را از پرداخت و انجام تعهدش معاف نمی‌سازد. بانک صادر کننده، بلحاظ محدود بودن مسئولیتش به بررسی اسناد حمل (لازم جهت استفاده از اعتبار) نیز از این قاعده سود می‌برد. دستور دهنده هم به دو جهت از قاعده مذکور منتفع می‌شود:

اولاً کسانی را که بدون وجود اعتبارنامه، در تجارت و معامله با او اطمینان خاطر ندارند، جذب می‌کند؛ ثانیاً آسایش و اطمینان خاطر فراوان می‌یابد که فقط در صورتی مکلف به استرداد وجه اعتبار به بانک خواهد بود که اسناد ارائه شده توسط ذینفع، با شرایطی که خود او در اعتبارنامه قید کرده است، منطبق بوده باشد.^۶

گاهی اوقات، مانند آنچه در مورد ایران صورت گرفته است، طرفین قرارداد اصلی، (مکانیسم) اعتبارنامه‌های متقابل (Back-to-Back Credits) را بکار می‌گیرند. اعتبار متقابل هنگامی صادر می‌شود که ذینفع یک اعتبارنامه، خود دستور دهنده یا صادر کننده یک اعتبارنامه ثانوی باشد.

کارفرمایان ایرانی بعنوان ذینفع، ترجیح می‌دادند که بجای بانک آمریکائی، یک بانک ایرانی اعتبارنامه مورد نیاز را برای آنها صادر نماید،

5. Intraworld Indus. V. Girard Trust Bank. 461 Pa. 343, 357, 336 A.2d 316, 323 (1975).

۶. ماده ۵-۱۹ مقررات U.C.C. (۱۹۷۲)، ماده ۸ مقررات U.C.P. (۱۹۷۴).

و بهمین جهت درخواست صدور اعتبار متقابل می نمودند؛ این اعتبارنامه ابتدا بنفع بانک ایرانی صادر می شد و سپس این بانک ضمانتنامه ای بنفع طرف ایرانی قرارداد صادر می کرد. تنها انحراف از ترتیب صدور اعتبارنامه متقابل این بود که طرفین بجای صدور «اعتبارنامه ثانوی» و متقابل، اقدام بصدور و مبادله ضمانتنامه می کردند.^۷

از نظر مقررات داخلی آمریکا، ماده ۵ مقررات U.C.C. و از حیث مقررات بین المللی نیز مقررات U.C.P.، ناظر به اعتبارنامه است. بسیاری از اعتبارنامه هائی که توسط بانکهای آمریکائی صادر شده اند، مربوط به بانکهای مشمول قوانین ایالات نیویورک می باشند، که بسیاری از آنها نیز در دعاوی مربوط به ایران درگیر هستند.

در ایالت نیویورک ماده ۵ مقررات U.C.C. مورد تجدید نظر واقع شده است. ماده (۴) ۱۰۲-۵ مقررات مذکور در نیویورک مقرر می دارد که مفاد و شرایط این ماده که ناظر به اعتبارنامه هاست، تا آنجا معتبر است که بموجب مقررات U.C.P. نسخ نشده و مغایرتی با آن نداشته باشد. بنابراین و چون مقررات U.C.P. متعرض موضوع درخواست توقیف پرداخت اعتبارنامه ها نشده، لذا در ایالت نیویورک مفاد ماده (b) (۲) ۱۱۴-۵ مقررات U.C.C. از این حیث قابل اجراست و در نتیجه بموجب قوانین ایالت نیویورک این ماده از U.C.C. در مورد اعتبارنامه های بین المللی نیز اجرا می گردد.^۸

۷. برای مثال به دعوی آمریکن بل علیه جمهوری اسلامی ایران رجوع کنید. (474F. SUPP. N. Y. 1979)
۸. قسمت ب بند ۲ ماده ۱۱۴-۵ مقررات U.C.C. تحت عنوان «حقوق و وظایف صادر کننده اعتبارنامه» مفاداً و خلاصتاً مقرر می کند که صادر کننده اعتبار که با حسن نیت عمل می کند، بایستی برات یا مطالبه ذینفع را پرداخت نماید، ولو اینکه مشتری اخطار کرده باشد که در معامله قلب رخ داده و یا اسناد حمل معمول است؛ مگر اینکه از نظر عرفی و در بادی امر اظهار او مقرون بصحت باشد. معذک دادگاه صالح می تواند قرار منع پرداخت وجه اعتبار را صادر کند. (مترجم)

ب. اعتبارنامه های تجاری (Commercial L/C)

در بسیاری از معاملات واردات و صادرات در ایالات متحده، اعتبارنامه های تجاری بمنظور تأمین منابع مالی (Financing) بکار گرفته می شوند^۹. با اینکه فرم و شکل اعتبارنامه های تجاری با اعتبارنامه های تضمینی یکسان است، معذک اعتبارنامه تجاری دارای ویژگیهایی است که آن را از اعتبارنامه تضمینی جدا می سازد.

۱. نمونه متداول اعتبارنامه تجاری

اعتبارنامه تجاری متداول، صرفاً یک مکانیسم پرداخت است که بوسیله طرفین قراردادی که بعلت بُعد مسافت نمی توانند بطور رویاروی و مستقیم معامله نمایند، بکار گرفته می شود.

نمونه طرفینی را که از اعتبارنامه استفاده می کنند، می توان در معامله خرید و فروش کالا مشاهده کرد:

— فروشنده (ذینفع اعتبار) موافقت می کند که کالائی را برای خریدار (دستور دهنده) که ضمناً به اعتبار و پرداخت او اطمینان ندارد، تهیه و ارسال کند، ولی از طرفی می خواهد مطمئن شود که پس از حمل کالا، بهای آن را دریافت خواهد کرد. در عین حال خریدار نیز مایل نیست پیش پرداختی به فروشنده بپردازد. در چنین موردی، خریدار از بانکی که مورد قبول و اعتماد فروشنده نیز هست، درخواست می کند که یک فقره اعتبارنامه برگشت ناپذیر (غیر قابل فسخ: Irrevocable L/C)^{۱۰} بسنفع فروشنده صادر کند.

۹. در قریب به ۹۰٪ از قراردادهای فروش بین المللی، از «اعتبارنامه تجاری» بعنوان مکانیسم تأمین منابع مالی استفاده می شود.

۱۰. اعتبار غیر قابل برگشت بدون موافقت کلیه طرفهای آن، قابل تغییر، اصلاح یا ابطال نیست. بالعکس اعتبار قابل برگشت هر زمان و بدون نیاز به موافقت ذینفع، قابل تغییر یا ابطال است. (ماده ۲ و بند ج ماده ۳ مقررات U.C.P. - ۱۹۷۴). (مترجم)

بانک مذکور فقط هنگامی وجه اعتبار را به فروشنده می پردازد که او برات و اسناد حمل کالا را همراه با هر نوع اسناد دیگری که بنا به تعیین خریدار نشان دهنده انجام تعهد فروشنده باشد، به بانک تسلیم نماید. بانک نیز، مطابق قرارداد فیما بین، جهت استرداد وجوه پرداختی به ذینفع اعتبار، به خریدار مراجعه می نماید.

هم خریدار و هم فروشنده از این مکانیسم پرداخت بهره مند می شوند:

— فروشنده، از این جهت که پس از تسلیم اسناد حمل به بانک، اعتبارنامه صادره همانند وجه نقد برای او مفید و کارآست؛ خریدار نیز از این حیث که فقط پس از اینکه اسناد حمل، بنحوی که او مقرر و شرط نموده است، به بانک تسلیم گردد، مکلف به باز پرداخت وجوه به بانک می باشد. چون از نظر خریدار، تسلیم اسناد به بانک به معنای تحقق و انجام قریب الوقوع مفاد قرارداد مربوط خواهد بود^{۱۱}، لذا مطمئن خواهد شد که پرداخت نیز بهر حال و عملاً بعد از انجام تعهد فروشنده (یعنی بعد از تهیه و ارسال کالا) صورت گرفته است.

اصولاً اعتبارنامه تجارتمی نه تنها بعنوان مکانیسم پرداخت مورد استفاده قرار می گیرد، بلکه نسبت به دستور دهنده، نوعی مکانیسم تأمین منابع مالی نیز بشمار می رود. با توجه به اینکه صادر کننده اعتبار، برات ذینفع را قبولی می نویسد، دستور دهنده فی الواقع بجای پرداخت به رؤیت، نوعی اعتبار سی، شصت یا نود روزه، تحصیل می نماید. ذینفع (براتکش) نیز بجای دریافت به رؤیت برات خود، یک «قبولی بانکی» که دارای سررسید سی، شصت یا نود روزه است بدست می آورد. این روش پرداخت برای خریدار فرصتی ایجاد می کند که برای باز پرداخت وجه برات در

۱۱. منظور این است که با تسلیم اسناد، مسلم می شود که موضوع قرارداد انجام یافته و کالا در راه است و قریباً واصل می شود و چون پرداخت پس از تسلیم اسناد صورت می گیرد، بنابراین خریدار مطمئن است که مفاد قرارداد قبل از پرداخت وجه، تحقق یافته است. (مترجم)

سررسید و به بانک، بتواند کالای خریداری خود را به کسی بفروشد و یا آن را بطریق دیگری به وجه نقد تبدیل کند. به این ترتیب یعنی از طریق گشایش اعتبار، خریدار منابع مالی لازم برای انجام معامله را احتمالاً با مبلغ و هزینه کمتری در مقایسه با اخذ وام، بدست می آورد.

۲. هدف و مقاصد آن

هدف اصلی در اعتبارنامه تجارتي عبارت است از کاربرد آن بعنوان یک مکانیسم تأمین منابع مالی در معاملات بین المللی. اعتبارنامه تجارتي آنچنان در عمل مفید است که در اغلب قریب به اتفاق معاملات بین المللی بکار گرفته می شود. بدون اعتبارنامه تجارتي، فروشندگان احتمالی، احیاناً قادر نخواهند بود در بازارهای بین المللی به تجارت بپردازند. اگر قرار بود فروشندگان کالا بدون اعتبارنامه تجارتي داد و ستد کنند، لزوماً مکانیسم مالی دیگری را که بتواند بدون نیاز به اطمینان از ملائمت خریدار، پرداخت بهای کالا را تضمین نماید، بکار می گرفتند؛ مانند پیش پرداخت (پیش خرید) و یا حساب تضمینی مشترک. هر مکانیسم جایگزین دیگری برای اعتبارنامه تجارتي، خریداران احتمالی را که منابع مالی لازم برای پرداخت بهای کالا قبل از دریافت آن ندارند، از وارد شدن در تجارت بین المللی باز می دارد.

انتظار طرفین یک اعتبارنامه تجارتي این است که ذینفع از وجه آن استفاده کند. دستور دهنده انتظار دارد که ذینفع معامله مربوط را انجام دهد و مآلاً اسناد حمل لازم برای مطالبه وجه اعتبار را بدست آورد. بانک صادر کننده معمولاً قبل از پرداخت وجه اعتبار، مطالبه بعمل آمده از جانب ذینفع را به دستور دهنده اطلاع نمی دهد؛ زیرا دستور دهنده خود انتظار دارد که ذینفع وجه اعتبار را مطالبه کند.

۳. ماهیت خود بخود تصفیه شونده^{۱۲} اعتبارنامه تجاری

اعتبارنامه تجاری دارای ماهیت خود بخود تصفیه شونده ای است: بجز در مورد تقلب در معامله (Fraud) و اسناد حمل جعلی، کالا (مبیع) پشتوانه و وثیقه اسناد حملی است که ذینفع جهت استفاده از وجه اعتبار به بانک تسلیم نموده است. پس از اینکه بانک صادر کننده وجه را به ذینفع پرداخت نمود، نسبت به کالای مذکور در اسناد حمل، دارای نوعی حق وثیقه^{۱۳} می شود. اگر دستور دهنده قبل از دریافت اسناد حمل کالا ورشکسته شود، بانک صادر کننده برای استرداد وجوه پرداختی به ذینفع با استفاده از همین حق وثیقه نسبت به کالا، طلب خود را تصفیه می کند. معمولاً دستور دهنده کالای موضوع اسناد حمل را می فروشد و از محل آن، وجه اعتبار را به بانک صادر کننده مسترد می کند. بهر حال کالا بمنزله وثیقه هرگونه تعهد مالی ناشی از اعتبارنامه تجاری تلقی می شود.

۴. محدودیتهای پرداخت وام

بانکها (تعهدات ناشی از) اعتبارنامه تجاری را «تعهد بالقوه»^{۱۴} محسوب می کنند و بهمین لحاظ در ترازنامه خود آنها را (در ردیف بدهیها) به حساب نمی آورند؛ همچنین بجای اینکه تعهد مشتریان خود در مورد باز پرداخت وجه اعتبار را، «دارائی» که در ترازنامه منعکس می شود بشمار آورند، آن را نوعی «دارائی بالقوه»^{۱۵} قلمداد می کنند. مقررات

12. Self-liquidating Nature.

۱۳. مطابق شرایط و قرارداد فیما بین دستور دهنده و بانک، کالای موضوع اعتبار در وثیقه بانک است و پس از واریز اعتبار، اسناد حمل آن به نام مشتری (دستور دهنده) پشت نویسی می شود تا بتواند کالای خود را ترخیص کند. منظور از حق وثیقه همین حق است که بانک نسبت به کالا پیدا می کند و بموجب آن می تواند مطالبات خود را از محل کالا استیفا کند. از این مفهوم به «رهن تجاری» نیز تعبیر شده است. (مترجم)

14. Contingent liability.

15. Contingent asset.

فدرال و ایالتی «تعهدات بالقوه» را در محاسبه «حد مجاز وام»، که بانکها مکلف به رعایت آن هستند، محسوب نمی کنند. برخلاف پرداخت وام که دارای محدودیتهایی است، بانکها می توانند بهر تعداد که مایل باشند اعتبارنامه تجارتي صادر کنند. هدف از مقررات ناظر به محدودیتهای پرداخت وام با تعیین حد مجازی که یک بانک می تواند تعهد نماید، این است که از ورشکستگی آن جلوگیری کند.

در بادی امر بنظر می رسد که مستثنی کردن اعتبارنامه های تجارتي از مقررات حد مجاز وام، هدف از چنین مقرراتی را نقض می نماید؛ اما با توجه به اینکه اعتبارنامه تجارتي دارای ماهیت خود بخود تصفیه شونده ای است که خطر ناشی از عدم واریز اعتبار توسط دستور دهنده را کاهش می دهد، این استثنا تا اندازه ای توجیه پذیر می گردد.

۵. اسناد حمل مورد نیاز برای مطالبه اعتبار

هنگام گشایش اعتبارنامه تجارتي، دستور دهنده اسنادی را که پس از صدور، نشان دهنده تقریب در انجام معامله توسط ذینفع باشند، معین می کند. اسنادی که برای مطالبه وجه اعتبار ضروری هستند، معمولاً عبارتند از برات، اسناد مالکیت کالا و اسناد حمل.^{۱۶} این اسناد را اشخاصی که خارج از معامله هستند (ثالث)، از قبیل مؤسسات حمل و نقل و انبارداری، صادر می نمایند. اشخاص ثالث مذکور، بلحاظ مسئولیتی که در صورت مخدوش بودن اسناد دارند، اقداماتی می کنند که عملاً منتهی به مصون داشتن دستور دهنده در قبال مطالبه من غیر حق اعتبار از جانب ذینفع می گردد.

۱۶. اسناد حمل اصولاً شامل بارنامه، بیمه نامه و سیاهه فروش می باشند؛ ولی حسب نوع اعتبار اسنادی و نظر دستور دهنده ممکن است گواهیهای مختلفی که توسط مراجع صالح صادر می شوند نیز جزو آنها باشند؛ مانند گواهی مبدأ، گواهی بسته بندی، گواهی صحت و... منظور مؤلف از «اسناد حمل» در اینجا ظاهراً معنای اخص این اصطلاح است. (مترجم)

ج. اعتبارنامه تضمینی (Standby L/C)

هیئت مدیرهٔ فدرال رزرو سیستم (امریکا) اعتبارنامهٔ تضمینی را نیز، نوعی «اعتبارنامه» تلقی نموده است^{۱۷} که:

«بموجب آن صادر کننده در مقابل ذینفع متعهد می شود که:

۱. مبلغی که دستور دهنده، (از ذینفع) وام گرفته و یا پیش پرداختی را که دریافت کرده است، به حساب او باز پرداخت کند، یا:

۲. در ازای هر نوع سند و یا بابت بدهی که دستور دهنده آن را تعهد کرده است پرداختی بنماید، یا:

۳. در ازای هرگونه قصور دستور دهنده از انجام تعهدش مبلغی را بپردازد.»

استفاده از اعتبارنامهٔ تضمینی بطور قابل توجهی افزایش یافته است. فدرال رزرو در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۵ متوجه شد که بموجب این نوع اعتبارنامه‌ها، بیش از ۱۱/۷ میلیارد دلار، (بدهی) معوق و پرداخت نشده وجود دارد. سه سال بعد فقط در پنج بانک آمریکائی، این رقم به ۱۲/۶ میلیارد دلار بالغ شد.

۱. نمونه متداول اعتبارنامهٔ تضمینی

اعتبارنامهٔ تضمینی از نظر ظاهری، شبیه اعتبارنامهٔ تجارتي است. هر دو نوع این اعتبارنامه‌ها متضمن سه قرارداد متفاوت است: — قرارداد اصلی فیما بین دستور دهنده و ذینفع، تعهد بانک صادر کننده در مورد پرداخت وجه اعتبارنامه به ذینفع و در ازای تسلیم اسناد مربوط، و تعهد دستور دهنده به باز پرداخت وجه اعتبارنامه به بانک صادر کننده، پس از

17. Regulation H, 12 C.F.R.S. 208.8 (d)-(1979).

انجام پرداخت از جانب او به ذینفع.

تفاوت اساسی بین اعتبارنامه تضمینی و تجاری در این است که در اعتبارنامه تجاری، تعهد مالی، ناشی از اسنادی است که نشان دهنده انجام معامله توسط ذینفع است؛ در صورتی که در اعتبارنامه تضمینی، تعهد مالی، ناشی از اسنادی است که نشانگر قصور دستور دهنده از انجام تعهدات یا پرداخت می باشد.

۲. هدف و مقاصد آن

اعتبارنامه تضمینی با قسیم تجاری خود مشابهت دارد؛ ولی عملکرد (Function) آن مانند ضمانتنامه است. طرفین، اعتبارنامه تضمینی را بمنظور تضمین خسارات وارده به ذینفع و ناشی از قصور دستور دهنده در انجام تعهداتش، یا سپردن تضمین به وام دهنده در مورد باز پرداخت وام و یا تضمین دادن به موجر در باب پرداخت اجاره بهای مملوک او بکار می برند. بدون دریافت چنین ابزار تضمینی، کمتر ذینفعی مایل به انعقاد قرارداد وام یا معامله با مشتری احتمالی خواهد بود.

فدرال رزرو اعتبارنامه تضمینی را ابزاری می داند که در آن فرض صادر کننده بر این نیست که لزوماً مورد استفاده ذینفع قرار خواهد گرفت؛ بلکه کلیه طرفین یک اعتبارنامه تضمینی انتظار دارند که دستور دهنده تعهدات قراردادی خود را به انجام برساند و یا بدهی خود را بپردازد. اعتبارنامه تضمینی (خسارات وارده به) ذینفعی را که دیگر انتظار انجام تعهد یا پرداخت بدهی از جانب دستور دهنده را ندارد، تأمین می نماید.

۳. ماهیت خود بخود تصفیه ناشدنی اعتبارنامه تضمینی

اعتبارنامه تضمینی پس از اینکه پرداخت شد، خود بخود تصفیه نمی شود. ذینفع موقعی از اعتبارنامه تضمینی استفاده می کند که دستور دهنده در انجام تعهدات قراردادی خود و یا پرداخت بدهی اش، قصور کرده باشد.

عموماً دستور دهنده بلحاظ ورشکستگی، در انجام تعهد و یا پرداخت دین خود قصور می کند؛ بنابراین صادر کننده احتمالاً قادر نخواهد بود مبلغی را که در ازای مطالبه ذینفع و براساس اعتبارنامه مجبور به پرداخت آن بوده است، از دستور دهنده مسترد نماید. برخلاف اعتبارنامه تجارتي، اعتبارنامه تضمینی غالباً موجب می گردد که صادر کننده پس از پرداخت وجه اعتبار به ذینفع، از دستور دهنده ای طلبکار شود که ورشکسته است.

۴. محدودیتهای پرداخت وام

بمنظور کاهش خطر ناشی از بستانکاری بانکهای صادر کننده اعتبارنامه تضمینی از دستور دهندگان ورشکسته، و در نتیجه کاهش خطر ورشکستگی خود بانکها، «مرجع کنترل کننده پول»^{۱۸}، محدودیتهای پرداخت وام را در مورد مجموع اعتبارنامه های تضمینی که یک بانک می تواند تعهد کند، اعمال می نماید. «مرجع کنترل کننده پول»، اعتبارنامه تضمینی را نوعی وام تلقی کرده و میزان مجاز بدهی معوق ناشی از صدور آنها را (که یک بانک می تواند داشته باشد) با دقت تعیین

۱۸. این مقام که به «بازرس پولی» نیز ترجمه شده، یکی از ارکان سیستم بانکی آمریکا و فدرال رزرو یا بانک مرکزی در ایالات متحده است. عمده وظیفه این مقام علاوه بر صدور اجازه تأسیس بانکهای ملی (نه ایالتی)، رسیدگی به وضع سرمایه و سپرده بانکها و نسبت آنها با وامهای پرداختی است. (مترجم)

می نماید.

بمنظور کاهش احتمال ورشکستگی بانکهای صادر کننده اعتبارنامه تضمینی، حتی سنای آمریکا کوششهای فراوانی در جهت محدود کردن موارد استفاده از این نوع اعتبارنامه ها بعمل آورده است.

۵. اسناد مورد نیاز جهت استفاده از اعتبارنامه تضمینی

برای استفاده از وجه اعتبار، ذینفع بایستی فقط یک برات (عهده صادر کننده) همراه با مدارک حاکی از اینکه دستور دهنده از پرداخت بدهی خود یا انجام تعهداتش تخلف نموده است، صادر و تهیه نماید. بانک صادر کننده، در مورد مابه ازای و وقایع ورای اسناد مذکور، بررسی و رسیدگی نمی نماید^{۱۹}.

ذینفع همواره می تواند اسنادی براساس شرایط مقرر در اعتبارنامه تضمینی تهیه کند؛ زیرا تهیه چنین مدارکی در اختیار خود او است. در صورتی که اسنادی که بموجب اعتبارنامه تجارتي بایستی تهیه و به صادر کننده تسلیم گردند - از قبیل اسناد مالکیت کالا -، نوعاً توسط اشخاص ثالث و مستقل صادر و تنظیم می شوند. در اعتبارنامه تضمینی، دستور دهنده به اشخاص ثالث و مستقلی که اسناد مربوط به قصور او را تهیه و صادر نمایند، متکی نیست؛ بلکه بجای این بیشتر به درستکاری و صداقت ذینفع چشم دارد.

د. ضمانتنامه ها (Guarantees)

ضمانتنامه ها از دو جهت مهم با اعتبارنامه های تضمینی تفاوت

دارند:

۱۹. هم مقررات U.C.C. و هم U.C.P. مقرر می دارند که صادر کننده در مورد مابه ازای اسناد ارسدگی نخواهد کرد. طبق مواد ۵-۱۰۹ و ۵-۱۱۴ U.C.C. مصوب ۱۹۷۲ و بند الف ماده ۸ مقررات U.C.P.: «در عملیات اعتبارات اسنادی، کلیه طرفین ذیربط براساس اسناد عمل می کنند، نه کالای موضوع آن».

اولاً، قاعدهٔ جدا بودن قرارداد اصلی از اعتبارنامه، در ضمانتنامه قابل اجرا نیست؛ بلکه ضمانتنامه نسبت به قرارداد اصلی جنبهٔ تبعی و فرعی (ancillary) دارد. ماهیت تبعی بودن ضمانتنامه، بانک ضامن را (که همان بانک صادر کننده در اعتبارنامهٔ تضمینی است)، مکلف می‌سازد بمنظور احراز قصور واقعی و عملی مدیون اصلی (که همان دستور دهنده در اعتبارنامهٔ تضمینی است) در انجام تعهدات یا پرداخت دین، در وراء و اطراف اسناد ارائه شده برای مطالبهٔ وجه الضمان نیز بررسی و تحقیق کند. بعلت همین ماهیت تبعی بودن ضمانتنامه، ضامن نسبت به معامله و قرارداد اصلی، تعهد ثانوی (secondary) پیدا می‌کند.^{۲۰} حال آنکه صادر کننده اعتبارنامه دارای نوعی تعهد ابتدائی در مورد آن است و هیچ‌گونه مسئولیتی در خصوص قرارداد اصلی ندارد.^{۲۱}

ماهیت تبعی بودن تعهد ناشی از ضمانتنامه، در مقایسه با ریسک ناشی از صدور اعتبارنامهٔ تضمینی، ریسک بزرگتری را به صادر کننده آن تحمیل می‌نماید. صادر کننده اعتبارنامه صرفاً اسناد ارائه شده جهت استفاده از وجه اعتبار را مورد بررسی قرار می‌دهد و چنانچه این اسناد با شرایط مقرر در اعتبارنامه مطابقت داشته باشد، وظیفهٔ او در مقابل دستور دهنده به پایان رسیده است.^{۲۲} در صورتی که ضامن مکلف است واقعیات موجود در ورای اسناد ارائه شده را بمنظور تعیین و احراز اینکه آیا متعهد اصلی (مضمون‌عنه) واقعاً و عملاً نیز قصوری مرتکب شده یا نه، مورد رسیدگی قرار دهد. به این ترتیب، ضامن در مقایسه با صادر کننده اعتبارنامه، با ریسک بزرگتری مواجه است؛ زیرا تعیین اینکه آیا اسناد ارائه شده با شرایط اعتبارنامه منطبق است یا نه، به اندازهٔ احراز اینکه آیا متعهد اصلی واقعاً و عملاً قصور نموده است یا خیر، مشکل و مخاطره‌آمیز نیست.

۲۰. ضامن می‌تواند دفاع متعهد اصلی مبنی بر انجام تعهد را بعنوان دفاع خود، مورد استفاده قرار دهد.
۲۱. به مادهٔ ۵-۱۰۹ و ۵-۱۱۴ مقررات U.C.C. و مواد ۸ (الف) و ۹ مقررات U.C.P. مراجعه کنید.
۲۲. به مادهٔ ۵-۱۰۹ مقررات U.C.C. مراجعه کنید.

ثانیاً، بانکهای تجاری آمریکا، برخلاف اعتبارنامه‌های تجاری و تضمینی، قانوناً حق ندارند در معاملات مربوط به ضمانتنامه‌ها و صدور آنها وارد شوند^{۲۳}. بانکها اجازه قانونی لازم جهت تضمین بدهی اشخاص را ندارند و بهمین لحاظ در صورت تضمین، فی الواقع مرتکب عملی خارج از حدود اختیارات قانونی خود شده‌اند.

محاکم نیز، بجز چند استثنا، بانکهای محلی را از صدور ضمانتنامه ممنوع ساخته‌اند. بخش M از مقررات 12, C.F.R. 213.3(b)(1)(1979) (فدرال رزرو) با پیش‌بینی مجوز صدور ضمانتنامه برای شعب خارج از کشور بانکهای امریکائی نیز، فقط یک استثنای قانونی در این مورد قائل شده است.^{۲۴}

مقررات منع صدور ضمانتنامه، ناشی از نگرانی محاکم و قانونگذار از این است که صدور ضمانتنامه بانکها را بطور جدی با خطر بزرگ ورشکستگی روبرو خواهد کرد. بقول پروفیسور Campbell صدور ضمانتنامه و بالنتیجه ضامن شدن بانک «عملی خارج از حدود اختیارات قانونی است و خطرات ناشی از آن در مقایسه با منافع آن^{۲۵}، متناسب نبوده، بطور غیر منطقی بسیار زیاد است...»^{۲۶}.

مقررات منع صدور ضمانتنامه مانع از این می‌شود که بانکها

۲۳. «مرجع کنترل‌کننده پول» به بانکهای محلی مشخصاً اجازه می‌دهد که براساس مقررات فدرال رزرو 12 C.F.R. 7.7016 (1979) نسبت به صدور اعتبارنامه‌ها اقدام کنند.

محاکم نیز چنین حکم داده‌اند که بانکها می‌توانند اعتبارنامه‌های تضمینی را با استفاده از مجوز اعطائی به آنها، صادر نمایند، بدون اینکه وارد معاملات و عملیات Suretyship (ضمان) شوند. مراجعه کنید به دعوی Prudential Ins. V. Marquette Nat'l Bank, 419 F. Supp. 734-National Surety Corp. V. Midland Bank & Trust Co. 408 F. Supp. 684, 692 (D.N.J. 1979)

۲۴. بلحاظ همین محدودیتها، شعب داخلی بانکهای امریکائی بجای صدور ضمانتنامه مبادرت به صدور «اعتبار اسنادی» منتهی بصورت تضمینی (Standby) می‌نمایند. (مترجم)

۲۵. منظور، علاوه بر تسهیل معاملات، کارمزد صدور ضمانتنامه است که بانکها دریافت می‌کنند و جزء درآمدهای سرشار و قابل توجه بانکها می‌باشد. (مترجم)

۲۶. رجوع کنید به:

Campbell, Guaranties and the Suretyship Phases of letters of Credit, 85 U. PA. L. Rev. 261-285-36.

تعهدات غیر متناسب با دارائیه‌های خود بعهده بگیرند. نابودی بانک ملی امریکا در سن دیاگو شاهد بر این مدعاست که امکان ورشکستگی ناشی از صدور ضمانتنامه در بانکها بسیار زیاد است. بانک سن دیاگو بعلت صدور اعتبارنامه‌های تضمینی مکرر که مورد مطالبه ذینفعهای آنها واقع شدند، سرانجام دچار ورشکستگی گردید. ضمانتنامه دارای ماهیت خود بخود تصفیه شونده‌ای نیست و همانند اعتبارنامه تضمینی، بانکها را جداً به خطر ورشکستگی تهدید می نماید.

بانکها نمی توانند با تلقی ضمانتنامه در ردیف اعتبارنامه تضمینی، از شمول و رعایت مقررات فعلی منع صدور ضمانتنامه معاف گردند. «مرجع کنترل کننده پول» بانکها را از صدور اعتبارنامه‌ای که بموجب آن «بانک مکلف گردد و اقیات خارجی یا حقوقی مورد اختلاف بین دستور دهنده (مضمون‌عنه) و ذینفع (مضمون‌له) را مورد رسیدگی قرار دهد و صحت و سقم آن را احراز کند، ممنوع کرده است. در دعوی

Wichita Eagle & Beacon Publishing Co. V. Pacific National Bank (9th. Cir. 1974. 493F.2d 1285)

دادگاه اظهار نظر نمود سندی که ظاهراً بصورت «اعتبارنامه» صادر شده، فی الواقع یک ضمانتنامه غیر قانونی است؛ زیرا بموجب آن صادر کننده ملزم شده که بدنبال تحقق بالفعل حوادث خاصی (و مالاً احراز آنها)، وجه مقرر را بپردازد، نه صرفاً در ازای ارائه اسناد. دادگاه مذکور چنین مقرر کرده است:

«در موردی، از قبیل این پرونده که حسب شرایط مقرر بین طرفین، صادر کننده مکلف شده که صحت و سقم و اقیات خارجی را که مربوط به اجرای قرارداد اصلی و جداگانه‌ای است، مورد رسیدگی قرار دهد و نه (انطباق) اسناد (با شرایط اعتبارنامه) راه عملاً کلیه وجوه افتراق و تمایز بین اعتبارنامه و ضمانتنامه معمولی نادیده انگاشته شده، ولو چنین سندی (ظاهراً) اعتبارنامه خوانده شده

باشد.»^{۲۷}.

اشرط این نوع شرایط در اعتبارنامه‌های تضمینی، طرفین را با این خطر که محاکم آن را نوعی ضمانتنامه غیرقانونی تلقی کند، مواجه می‌سازد.

۵. خطراتی که یک ادعا با آن مواجه است. **Claim Risks: C.R.**^{۲۸}

منظور از خطراتی که ادعا با آن مواجه است آن است که یکی از طرفین ادعای معتبری از طرف دیگر داشته باشد، ولی نتواند آن را وصول کند. این نوع خطرات دو قسم است: «خطرات تحصیل حکم» **Judgment Risks=J.R.** و «خطرات اجرای حکم» **Execution Risks = E.R.** مقصود از **J.R.** خطراتی است که هر دعوای مطروحه نزد دادگاه با آن مواجه است که از آن جمله است: خطر رد دعوی از حیث موضوعات

^{۲۷}. همان‌طور که ملاحظه شد در اعتبارنامه‌ها صادر کننده صرفاً مکلف به بررسی اسناد و انطباق آنها با شرایط اعتبار است و تکلیفی برای ورود و احراز صحت و مقم واقعیات خارجی و مابقیه ازای آنها ندارد؛ در صورتی که در ضمانتنامه‌ها، صادر کننده یا ضامن موظف است اظهارات مضمون له را مورد رسیدگی قرار دهد و پس از احراز تخلف مضمون عنه، نسبت به پرداخت اقدام کند. دادگاه در استدلال خود بهمین وجه تمایز تکیه کرده و اظهار داشته است که چون بموجب سند متبادله فیما بین، صادر کننده مکلف به احراز واقعیات مربوط بوده، لذا عملاً آنچه صادر کرده، ضمانتنامه است نه اعتبارنامه؛ ولوبین طرفین اعتبارنامه اصطلاح شده باشد. (مترجم)

^{۲۸}. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود این عبارت ترجمه **Claim Risks** است که معادل فارسی شناخته شده و مصطلحی از نظر حقوقی برای آنها یافت نشد. با توضیحاتی که نویسنده بعداً می‌دهد منظور از این تعبیر، روشن خواهد شد. ولی خلاصتاً مقصود این است که نشان دهند بموجب یک اعتبارنامه یا ضمانتنامه دو نوع ریسک پوشانده می‌شود:

ذینفع (مدعی) می‌خواهد از مراجعه به مراجع قضائی و تحصیل حکم مبنی بر محکومیت دستور دهنده و مآلاً خطراتی که در این راه وجود دارد معاف گردد؛ یعنی بصرف تسلیم اسناد مربوط، بتواند ادعا و مطالبات خود را وصول کند که این نوع **Judgment Risk** نامیده است؛ علاوه بر این چه بسا ذینفع برای مطالبات خود به دادگاه مراجعه و حکم بر محکومیت دستور دهنده را نیز تحصیل کند، لکن برای اجرای مفاد حکم با مخاطرات مختلف مواجه است که آن را **Execution Risks** و مجموع دو نوع ریسک را **Claim Risks** نامیده است. چون تعابیر سه‌گانه مذکور اصطلاحی است، لذا بمنظور رعایت امانت در انتقال مقصود نویسنده عین آنها با ذکر حروف اول هر کدام در متن آمده است. (مترجم)

شکلی و مربوط به آئین دادرسی، خطر دادگاه نامساعد و ناموافق و همچنین خطر رد دعوی در مرحله استینافی. علاوه بر خطرات مربوط به طرح دعوی و تحصیل حکم بنفع خود، مسئله هزینه های دادرسی که بایستی پرداخت شود نیز وجود دارد. غرض از E.R. آن است که چه بسا طرفی که حکمی علیه طرف دیگر تحصیل کرده است، نتواند آن را اجرا کند. عدم امکان اجرای حکم غالباً ناشی از این است که طرف مقابل (محکوم علیه) دچار ورشکستگی باشد. E.R. همچنین شامل مشکلات توقیف دارائی محکوم علیه و مسائل مربوط به صلاحیت برای اجرای حکم نیز می گردد.

طرفی که C.R. را در معاملات بین المللی قبول می کند، مسئولیت بزرگی را بعهده می گیرد؛ زیرا خطر اقدامات سیاسی که موجب تعذر یا تأخیر در وصول مطالبات می شود نیز مشمول عنوان C.R. است. چون اصولاً هیچ یک از طرفین معاملات بین المللی مایل نیستند برای طرح و تعقیب ادعاهای خود به محاکم کشور طرف دیگر مراجعه کنند؛ لذا ابزارهای سه گانه تجارت بین المللی (یعنی اعتبارنامه تجارتي، اعتبارنامه تضمینی، ضمانتنامه) هر یک بطریقی متفاوت، C.R. را بین خریدار و فروشنده توزیع و مشخص می کند. (نحوه توزیع و تخصیص C.R. در هر کدام از ابزارهای سه گانه مذکور ذیلاً توضیح داده می شود).

۱. در اعتبارنامه های تجارتي و تضمینی:

ذینفع با دریافت یک اعتبارنامه تجارتي، C.R. را متوجه دستور دهنده یا بانک صادر کننده می نماید. ذینفع با در دست داشتن اعتبارنامه با کمترین خطر از حیث J.R. مواجه خواهد بود؛ زیرا چنانچه ادعای معتری داشته باشد و صادر کننده از پرداخت آن خودداری کند، براحتی می تواند علیه بانک صادر کننده طرح دعوی و تحصیل حکم کند. در واقع همه آنچه ذینفع بایستی اثبات کند این است که اسناد ارائه شده به بانک با شرایط اعتبارنامه منطبق است؛ یعنی مابه الاختلاف (بین بانک و ذینفع)، بسیار ساده و یک امر موضوعی است (نه حکمی). البته در موردی

که ذینفع توانسته باشد براساس یک مطالبه من غیرحق، مبلغی از بانک صادر کننده دریافت کند، فی الواقع دستور دهنده با J.R. و هزینه های قضائی طرح دعوی علیه ذینفع — که احتمالاً مجبور خواهد بود در محاکم و براساس قوانین کشور متبوع او طرح نماید —، مواجه خواهد شد.

دستور دهنده دعوی خود علیه ذینفع را براساس وقایع خارجی که در ورای اسناد تحقیق یافته است، طرح می کند نه خود اسناد و بدیهی است که اثبات اینکه حادثه یا اقدام خاصی (بالفعل) تحقق پذیرفته یا نه، بمراتب مشکل تر است از اثبات اینکه اسناد از نظر ظاهری با شرایط اعتبار منطبق است. (امری که ذینفع در دعوی خود علیه بانک بایستی اثبات کند). البته اگر دستور دهنده بتواند ثابت کند که بانک صادر کننده، مطالبه ذینفع را من غیرحق اجابت و وجه اعتبار را پرداخت کرده، یعنی اثبات کند که اسناد منطبق با شرایط اعتبارنامه نبوده است؛ در این صورت J.R. نیز متوجه صادر کننده خواهد شد.^{۲۹}

روشن است که چنانچه دستور دهنده این ادعای خود علیه بانک صادر کننده را اثبات نماید، صادر کننده در تعقیب دعوائی که علیه ذینفع طرح می کند با J.R. مواجه است؛ کما اینکه دستور دهنده نیز در دعوی خود علیه ذینفع با همین خطر یعنی J.R. روبرو است.

ذینفع با تحصیل اعتبارنامه، E.R. را نیز متوجه دستور دهنده و بانک صادر کننده می کند. چنانچه ذینفع در دعوی خود علیه بانک صادر کننده، موفق به تحصیل حکم شود^{۳۰}، برای اجرای چنین حکمی با مشکل زیادی مواجه نیست. علت اینکه ذینفع، بانک را (برای صدور اعتبارنامه) برگزیده نیز همین است که E.R. کاهش یابد و مطمئن شود که صادر کننده دارائی کافی برای اجرای حکم صادره را دارد. برعکس هنگامی که

۲۹. چنانچه اسناد با شرایط اعتبارنامه منطبق نبوده (و مع الوصف صادر کننده اقدام به پرداخت کرده باشد)، دستور دهنده تکلیفی برای باز پرداخت وجه اعتبارنامه به بانک صادر کننده نخواهد داشت. ماده (۳) ۱۱۴-۵ و ۱۰۹-۵ مقررات U.C.C. (۱۹۷۲).

۳۰. موضوع چنین دعوائی این است که صادر کننده با وجود ارائه اسناد منطبق با شرایط اعتبارنامه، از پرداخت امتناع ورزیده است. (منوچهر)

دستور دهنده یا بانک صادر کننده حکمی علیه ذینفع تحصیل نمایند^{۳۱} با این ریسک، یعنی E.R. مواجه هستند؛ زیرا چه بسا ذینفع دارائی کافی جهت اجرای حکم نداشته باشد و یا دولت متبوع او از اجرای حکم در کشورش جلوگیری و امتناع کند.

۲. در ضمانتنامه‌ها

ذینفع (مضمون له) با تحصیل ضمانتنامه دقیقاً مانند مورد اعتبارنامه تحمل E.R. را متوجه مدیون اصلی (دستور دهنده) یا ضامن (صادر کننده) می‌سازد. البته ذینفع در اجرای حکم صادره علیه ضامن با مشکلات مختصری مواجه خواهد بود، و این خواسته خود او است؛ زیرا انتخاب ضامن برای این منظور، توسط خود او صورت گرفته است.

ضامن یا مدیون اصلی در اقدام خود بمنظور وصول یا استرداد وجه از ذینفع^{۳۲}، الزاماً با E.R. مواجه خواهد بود.

در مورد J.R.، ذینفع با خطر بزرگتری مواجه است: خطر اینکه ولو ادعای معتبری هم داشته باشد، قادر به تحصیل حکم نخواهد بود؛ زیرا اگر ضامن در قبال مطالبه ذینفع (مضمون له) حاضر به پرداخت نشود، ذینفع مجبور خواهد بود با استناد به ما به ازای خارجی و واقعیت و رأی اسناد که ارائه کرده است، وقوع یا عدم وقوع حوادث یا وقایع خاصی را (که مستند ادعای او نسبت به وجه الضمان است) اثبات نماید. دستور دهنده (مدیون اصلی) یا صادر کننده (بانک ضامن) نیز همانند آنچه در اعتبارنامه گفتیم، در دعوی خود علیه ذینفع (مضمون له)، با J.R. مواجه هستند؛ یعنی بایستی تحقق یا عدم تحقق وقایع خاصی را (برای احراز عدم

۳۱. موضوع چنین دعوائی، احتمالاً این است که ذینفع من غیر حق وجه اعتبارنامه را دریافت کرده است، از قبیل اینکه اسناد با شرایط اعتبار منطبق نبوده ولو این عدم انطباق ظاهراً مشخص نبوده باشد، یا اینکه اسناد معمول باشد، یا ذینفع در انجام معامله مرتکب تقصیر شده باشد و... چنین دعوائی بمنظور استرداد وجه اعتبارنامه از ذینفع طرح می‌گردد. (مترجم)

۳۲. موضوع و خواسته چنین دعوائی همان است که در پاراگراف ۳۱ آمده است (مترجم).

استحقاق ذینفع در مطالبه و دریافت وجه الضمان) احتمالاً در دادگاه یک کشور بیگانه (محل اقامت مضمون له)، اثبات نمایند.

۲

دعای مربوط به ایران در موضوع اعتبارنامه های تضمینی در محاکم آمریکا

الف. تاریخچه

انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ موجب تعطیل یکی از پرسودترین بازارها در طول تاریخ تجارت ایالات متحده شد. انقلاب ایران مسائل حقوقی فراوانی در رابطه با اعتبارنامه های تضمینی که آمریکائیان بمنظور معامله با دولت ایران صادر کرده بودند، بوجود آورد. هنگام طرح دعوی (مربوط به این اعتبارنامه ها)، بیش از ۱۰۰ میلیون دلار بدهی معوق بابت آنها به بانکهای ایرانی وجود داشته است. پیمانکاران آمریکائی که در ایران کار می کردند، از محاکم فدرال و ایالتی می خواستند که بانکهای صادر کننده از اجابت هر نوع مطالبه نسبت به این اعتبارنامه ها بطور موقت ممنوع شوند، تا اینکه بتوانند (با در اختیار داشتن فرصت کافی)، دعوی (ماهوی) لازم در باب منع دائمی بانکهای صادر کننده از پرداخت را نیز طرح نمایند.^{۳۳}

در بین دعوی گوناگون مربوط به اعتبارنامه های تضمینی ایران، دعوی آمریکن بل اینترنشنال علیه جمهوری اسلامی ایران، یک دعوی نمونه

^{۳۳}. بسیاری از پیمانکاران درخواست صدور قرار منع پرداختی Injunction علیه صادر کننده را برای مدت کوتاهی، نوعاً ۱۰ روز می کردند تا فرصت کافی برای بررسی و سپس طرح دعوی بمنظور منع دائمی و ابطال اعتبارنامه داشته باشند. بعنوان مثال مراجعه کنید به دعوی:

Balfour Maclaine Int'l V. Manufacturers Honover Trust, No. 208010/78 (Sup. ct., N.Y. Co., Apr. 16, 1979 - 10 days) - Pan Am. V. Bank Melli No. 79 Civ. 1190 (S.D.N.Y. Apr. 3, 1979 - 20 days) - Harris Corp. V. Bank Melli Iran, No. 79 Civ. 560 (M.D. III Mar. 22, 1979 - 10 days).

است. واقعیات (مربوط به قرارداد)، خواسته، استدلالات و نتایج (که در همه) دعاوی مربوط به ایران (عنوان شده‌اند)، در دعاوی بل متمثل می‌شود.

در تابستان ۱۹۷۸، وزارت جنگ ایران قرارداد ۲۸۰ میلیون دلاری در مورد تهیه و تدارک تجهیزات ارتباطی و خدمات مربوط را با بل امضا کرد. وزارت جنگ موافقت نمود که مبلغ ۳۸/۸ میلیون دلار بعنوان پیش پرداخت به بل پردازد، و در قبال آن یک ضمانتنامه پیش پرداخت بدون قید و شرط^{۳۴} از یک بانک ایرانی (بانک ایران شهر سابق) دریافت کند. علاوه بر این قرار شد که بل یک ضمانتنامه حسن انجام کار بدون قید و شرط نیز از طریق یک بانک ایرانی تهیه و به وزارت جنگ ایران تسلیم نماید. بل ترتیبی داد که منیو فکچرز هانور تراست بانک آمریکا اعتبارنامه‌های تضمینی لازم را بنفع بانک ایرانی صادر کند.

پس از پیروزی انقلاب ایران و در فوریه ۱۹۷۹، بل بمنظور ممنوع شدن منیو فکچرز هانور تراست (بانک صادر کننده) از پرداخت وجه اعتبارنامه (به بانک ایران شهر) اقدام بطرح دعوی کرد. دادگاه عالی نیویورک این درخواست را رد کرد. محکمه استیناف تصمیم دادگاه عالی را به اتفاق آرا ابرام کرد. این اقدامات قبل از مطالبه ضمانتنامه، و تبعاً اعتبارنامه، از جانب جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته بود. لکن در اول اوت ۱۹۷۹ منیو فکچرز هانور تراست یادداشتی مبنی بر اینکه مطالبه تأیید شده‌ای نسبت به وجه اعتبارنامه تضمینی، (از بانک ایران شهر) دریافت کرده است، برای بل ارسال نمود. در این هنگام، بل دادخواستی به خواسته منع موقت منیو فکچرز هانور تراست از پرداخت وجه اعتبارنامه، به دادگاه ناحیه ای (ناحیه شمالی) نیویورک تقدیم کرد^{۳۵}.

۳۴. منظور ضمانت نامه این است که در ازای اولین درخواست ذینفع و بدون نیاز به هیچ گونه اقدام حقوقی یا اداری قابل پرداخت باشد. و آن را unconditional یا First demand یا On demand گویند. (مترجم)

۳۵. «منع پرداخت» ترجمه Injunction است. بطور کمی این واژه بمعنای منع خواننده از انجام عملی معین است که با دستور موقت در آئین دادرسی مدنی ما مترادف است. (مترجم)

ب. دادخواست بل

بل طی دادخواست (ماهوی) خود تقاضای صدور حکمی مبنی بر منع دائمی منیوفکچرز هانور تراست کمپانی از پرداخت وجه اعتبارنامه را بعمل آورده بود.

بعضی پیمانکاران (آمریکائی) فقط تقاضای (الزام خواننده به) صدور اخطاریه ۱۰ یا ۲۰ روزه‌ای پس از دریافت (تلکس یا نامه مبنی بر) مطالبه اعتبارنامه را از دادگاه می کردند. علاوه براین، تعدادی از پیمانکاران نیز درخواست صدور قرار منع پرداخت علیه بانکهای ایرانی که ضمانتنامه (ای بنفع کارفرمای ایرانی) صادر کننده بودند، بعمل می آوردند تا از ترتیب اثر دادن به هرگونه مطالبه نسبت به وجه الضمان ممنوع گردند.

(بهرحال) دادگاه رسیدگی کننده به دعوی بل، برای صدور قرار منع پرداخت موقت، از قاعده مقرر در دعوی Caulfield V. Board of Education^{۳۶} استفاده کرده و دادگاه ایالتی نیز قاعده مشابهی را بکار گرفته است.

بموجب قاعده مقرر در دعوی Caulfield (برای صدور قرار منع پرداخت)، لازم است وقوع خسارت غیرقابل جبرانی (در صورت عدم صدور قرار)، محرز و اثبات شود و یا اینکه موفقیت در دعوی ماهوی محتمل باشد، یا موضوعات و مسائل قطعی که در عین حال بتوانند زمینه و مبانی مکفی برای طرح دعوی در ماهیت بشمار روند، وجود داشته باشند؛ و یا اینکه مشکلات و معضلاتی که (در صورت عدم صدور قرار)، خواهان قرار موقت بطور قطع با آنها مواجه خواهد شد، محرز گردد.

36. 583. F.2d 605 (2d. Cir. 1978).

الف. عدم انطباق مطالبه با شرایط اعتبارنامه

مطالبه بایستی دقیقاً با شرایط مقرر در اعتبارنامه منطبق باشد^{۳۸}. بل مدعی بود که مطالبه وزارت دفاع (جمهوری اسلامی) ایران با شرایط اعتبارنامه ای که ذینفع آن دولت شاهنشاهی (سابق) ایران بوده است، مطابقت نداشته است (؛ زیرا مطالبه کننده همان ذینفعی که نام او در اعتبارنامه ذکر شده، نیست).

قاضی مک ماهون Mc Mahon این استدلال را نپذیرفت، با این بیان که اقدام بطریقهٔ دیگر، بمعنای ترجیح شکل برماهیت است. در تاریخ تقدیم دادخواست، یعنی اوت ۱۹۷۹، ایالات متحده، جمهوری اسلامی ایران را بعنوان دولت قانونی ایران برسمیت شناخته بود. دادگاهها، تغییر شرایط اعتبارنامه را حداقل در مورد ذینفع، مشروط براینکه منطقی با اعتبارنامه پیوستگی و سنخیت داشته باشد، مجاز دانسته اند^{۳۹}.

۳۷. نویسنده در این قسمت و تحت این عنوان کوشیده است مواردی که احتمال موفقیت در دعوای ماهوی را افزایش می دهد شمارش کرده، توضیح دهد و پنج مورد متداول را که دارای سابقهٔ رسیدگی قضائی هستند، آورده است. (مترجم)

۳۸. قاعدهٔ تطبیق مطلق و کامل مطالبه با شرایط اعتبارنامه یک قاعدهٔ اساسی است و هدف از آن حفظ حقوق دستور دهنده است. هنگامی که شرایط مقرر در اعتبارنامه تصریح کافی دارد، صادر کننده می تواند مطالبه ای را که کوچکترین اختلافی با این شرایط داشته باشد، اجابت نکند و از پرداخت امتناع ورزد.

۳۹. مراجعه کنید به دعوای Dynamics Corp. V. Citizens & S. Nat'l Bank, 356F. Supp. 991 (که در آن مقرر شده) «در اعتبارنامه شرط شده است که مطالبه بایستی به امضای President of India رسد؛ ولی دادگاه امضای توسط وزیر مختار و مجازی را که از طرف President of India امضاء می کند نیز جایز و معتبر می داند.»

علاوه بر این محاکم روشی را که انجام مقصود را عملی سازد، به روشی که آن را غیرممکن می نماید، مرجح می دانند.^{۴۰}

ب. قاعدهٔ تقلب Fraud در معامله

صادر کننده مکلف است برات صادره را که همراه با سایر اسناد به او ارائه می شوند و در نظر اول منطبق با شرایط اعتبار به نظر می رسند، بپردازد^{۴۱}؛ مگر در موردی که مطالبه مبتنی بر تقلب (در معامله) بوده باشد. مادهٔ (۲) - ۱۱۴ - ۵ مقررات U.C.C. مواردی را که صادر کننده می تواند با وجود تطبیق اسناد با شرایط اعتبار، از پرداخت امتناع نماید، مشخص و شمارش کرده است:

اول، صادر کننده مخیر است که در صورت دریافت اخطاریهٔ (دستور دهنده) مبنی بر وقوع تقلب واقعی، مطالبهٔ ذینفع را اجابت نکند. مادهٔ (b) (۲) - ۱۱۴ - ۵ مقررات مذکور می گوید که صادر کننده ای که با حسن نیت (Good Faith) عمل می کند، می تواند برات صادرهٔ ذینفع را بپردازد؛ ولو اخطار وقوع تقلب را نیز دریافت کرده باشد).

برابر سوابق موجود، تاکنون هیچ دستور دهنده ای نپذیرفته است که صادر کننده بدون حسن نیت، براتی را بپردازد. (بنابراین شرط این تخییر، حسن نیت صادر کننده بوده، والا مسئول است.)

بهرحال دستور دهنده بایستی فوراً مبلغ برات یا مطالبه ای را که صادر کننده آن را بموقع پرداخته است، به او مسترد نماید^{۴۲}. در مواردی که صادر کننده مخیر بین پرداخت و عدم پرداخت است، غالباً نسبت به پرداخت اقدام می کند؛ زیرا دستور دهنده نمی تواند «حسن نیت» او را

۴۰. مراجعه کنید به پاورقی ۳۹ و همچنین به دعوی: Venizelos v. Chase Manhattan, 425 F. 2d.

۴۱. به بند C از مادهٔ ۸ مقررات U.C.P. مراجعه کنید.

۴۲. به مادهٔ (۳) - ۱۱۴ - ۵ مقررات U.C.C. مراجعه کنید (همچنین مراجعه کنید به بند B مادهٔ ۸ مقررات U.C.P. - مترجم).

بعنوان یک واقعیت عملی واصل انکار نماید^{۴۳}. (خصوصاً که) اگر صادر کننده با وجود تطبیق اسناد با شرایط اعتبار، از پرداخت امتناع ورزد، با دعوی مطروحه از جانب ذینفع مواجه خواهد شد^{۴۴}.

دوم، ممکن است دادگاه صالحی صادر کننده را از اجابت مطالبه اعتبارنامه، ولو در صورت تطبیق اسناد، ممنوع سازد^{۴۵}. چنانچه مطالبه کننده، «دارنده با حسن نیت»^{۴۶} اعتبارنامه نباشد، دستور دهنده بایستی قبل از اینکه دادگاه صادر کننده را از پرداخت ممنوع کند، او را از وقوع تقلب مطلع سازد. اولین دعوائی که مشخص نمود که دادگاه در چه مواردی صادر کننده را از پرداخت در قبال مطالبه ای که ادعای وقوع تقلب در آن شده است، ممنوع می سازد، دعوی Sztejn V. J. Henry Schroder Banking Corp. (177 Misc. 719, 31 N.Y.S. 2d 631) بود.

در دعوی «اشتاین»^{۴۷}، خواهان که دستور دهنده یک اعتبارنامه تجارسی (بنفع خوانده) بود، دادخواستی به خواسته منع بانک صادر کننده از پرداخت بروات ذینفع، علیه او طرح کرده بود؛ زیرا با وجود اینکه

۴۳. یعنی اصل این است که بانک صادر کننده در پرداخت اعتبارنامه حسن نیت دارد؛ ولو اخطار وقوع تقلب هم دریافت کرده باشد. (مترجم)

۴۴. بدیهی است در چنین صورتی، دستور دهنده ای که مدعی تقلب از جانب ذینفع است، نیز مجبور خواهد شد برای استرداد وجه اعتبارنامه طرح دعوی کند؛ مگر اینکه قبلاً دستور منع پرداخت از دادگاه تحصیل کرده باشد. (مترجم)

۴۵. مراجعه کنید. به ماده (b) (2) ۱۱۴-۵ مقررات U.C.C.

۴۶. اعتبارنامه یک سند تجاری بمعنای عام است و مشمول احکام اسناد تجاری بین المللی می باشد. بطور کلی در نقل و انتقال اسناد تجاری، برعکس انتقال قرارداد، دفاعات به دارنده بعدی (منتقل الیه)، منتقل نمی شود، و لذا روابط حقوقی بین صادر کننده اسناد تجاری و ایادی بعدی او (ظهور نویسان) تأثیری در حقوق «دارنده با حسن نیت» آنها ندارد. اما «دارنده بدون حسن نیت» که مثلاً آن را از طریق تقلب بدست آورده، مجبور است در قبال دعوی مطروحه از جانب یکی از مسئولان پرداخت، دفاع کند.

منتظر نویسنده از «دارنده بدون حسن نیت» اعتبارنامه، شخصی است که بدون استحقاق، وجه آن را مطالبه می کند و تقلب در معامله اصلی را موجب این می داند که ذینفع چنین اعتبارنامه ای «دارنده بدون حسن نیت» آن محسوب گردد. (مترجم)

۴۷. این دعوی بعنوان دعوی نمونه راجع به «تقلب در معامله» مشهور است و مورد استناد غالب محاکم در صدور قرار منع پرداخت قرار می گیرد. شهرت و قابلیت استناد آن بعدی است که از آن بعنوان «اصل اشتاین» نیز یاد می شود. (مترجم)

بارنامه‌ها و سیاهه‌های فروش با شرایط اعتبار تطبیق می‌کردند، لکن بسته‌های کالا فقط حاوی مقداری زباله بودند. خواننده در مقام رد دعوی خواهان برآمد. (اما) قاضی Shientag در دادگاه عالی نیویورک چنین استدلال کرد که «هنگامی که صادرکننده یک اعتبارنامه می‌داند که اسناد، ولو از نظر ظاهر و شکل درست باشند؛ واقعاً تقلبی یا غیرقانونی اند، نمی‌توان از او خواست که چنین اسنادی را بعنوان اسناد منطبق با شرایط اعتبارنامه تلقی کند.»

«اشتاین» عناصر سه‌گانه‌ای را که از نظر دادگاه برای ممنوع شدن صادرکننده از پرداخت لازم است، اثبات کرد. مقررات U.C.C. نیز این عناصر را طی ماده (۳) ۱۱۴ - ۵ مدون ساخته است:

اولاً ادعای دستور دهنده بایستی وقوع تقلب واقعی^{۴۸} باشد، نه صرف وقوع اختلاف در مورد قرارداد اصلی^{۴۹}.

ثانیاً دستور دهنده بایستی قبل از پرداخت، صادرکننده را (از وقوع تقلب) مطلع سازد. چنانچه صادرکننده قبلاً و براساس مطالبه ذینفع نسبت به پرداخت اعتبارنامه اقدام کرده باشد، در صورتی مورد حمایت قرار می‌گیرد که «قبل از چنین پرداختی، مراقبت و احتیاط معقولی را (Reasonable Diligence) بعمل آورده باشد.»^{۵۰}

ثالثاً مطالبه‌کننده اعتبارنامه بایستی غیر از شخص ثالثی باشد که وجه آن را با حسن نیت (به ذینفع قبلی اعتبار) پرداخته است (و بالنتیجه ذینفع و دارنده با حسن نیت فعلی آن محسوب می‌گردد)^{۵۱}؛ زیرا محاکم،

48. actual Fraud

۴۹. مراجعه کنید به دعوی: O'Meara V. National Park Bank, 239 N.Y. 386, 146 N.E. 639.

و ماده (۱) ۱۱۴ - ۵ مقررات U.C.C. (۱۹۷۲) که چنین مقرمی دارد:

«۱ - صادرکننده بایستی برات یا مطالبه‌ای که منطبق با شرایط اعتبارنامه می‌باشد، بپردازد؛ صرف نظر از اینکه کالا یا اسناد با شرایط قرارداد اصلی فروش یا سایر قراردادهای بین دستور دهنده و ذینفع نیز منطبق است یا خیر.»

۵۰. به دعوی «اشتاین» فوق‌الذکر مراجعه کنید.

۵۱. مراجعه کنید به ماده (۲) (b) ۱۱۴ - ۵ مقررات U.C.C.

پرداخت وجه اعتبارنامه را به مطالبه کننده ای که دارنده با حسن نیت آن است، ممنوع نمی سازند.^{۵۲}

موارد صدور قرار منع پرداخت بشرح مقرر در ماده (۲) ۱۱۴-۵ مقررات U.C.C. (اسناد مجعول یا تقلبی و تقلب در معامله اصلی)، حاوی حمایت عملی و مختصری از دستور دهنده در قبال مطالبه متقلبانه اعتبارنامه های تضمینی است؛ ولی اسناد مربوط به اعتبارنامه تضمینی ندرتاً مجعول یا متقلبانه است. زیرا ذینفع خود این اسناد را تهیه می کند و بنابراین نیازی ندارد که برای مطالبه متقلبانه خود، از اسناد جعلی یا تقلبی استفاده کند. (استفاده از) اسناد مجعول یا تقلبی که از موارد صدور قرار منع پرداخت است، اصولاً در مورد اعتبارنامه های تجارتي (اعتبار اسنادی) صدق می نماید.

در اعتبارنامه تجارتي اسناد لازم جهت مطالبه را اشخاص ثالث تنظیم و تهیه می کنند؛ بنابراین چنانچه ذینفع قصد تقلب داشته باشد، با فرض اینکه اشخاص ثالث تنظیم کننده اسناد در این تقلب مداخله و تبانی ندارند، مجبور خواهد بود اسنادی را که شخص ثالث صادر کرده یا می کند، خود تحریف و جعل نماید. دعوای «اشتاین» از حیث شخصی که اسناد مجعول یا متقلبانه تهیه کرده است - اعم از شخصی که مطالبه را بعمل آورده یا صادرکننده ای که با تبانی (در تهیه اسناد متقلبانه) بارنامه ای صادر کرده - مثال بارزی است.

بطور کلی ذینفع یک اعتبارنامه تضمینی برای ارتکاب تقلب نسبت به دستور دهنده نیازمند اسناد مجعول یا تحریف شده (توسط غیر) نیست؛ زیرا او خود این اسناد را تنظیم و صادر می نماید.

محاکم در اینکه چه امری تقلب در معامله، که صدور قرار منع پرداخت را توجیه می کند؛ محسوب می گردد، نقطه نظرهای باریک-بینانه ای دارند. مثلاً دادگاه عالی پنسیلوانیا در دعوای Intraworld Industries

۵۲. منظور این است که اگر مطالبه کننده وجه اعتبارنامه، شخص ثالث و دارنده با حسن نیت آن باشد، نمی توان دعوای صدور قرار منع پرداخت علیه او طرح نمود. به پاورقی شماره ۴۶ مراجعه فرمایید. (مترجم)

V. Girard Trust Bank^{۵۳} مقرر داشته است:

«بنظر ما اوضاع و احوالی که می تواند صدور قرار منع پرداخت را توجیه و ایجاب کند، بایستی منحصرأ محدود به مواردی از ثقلب شود که در آنها تخلف ذینفع آنچنان کل معامله را فاسد کرده است که جایی برای اجرای اصل مشروع و معتبر «جدا بودن تعهد صادر کننده از قرارداد اصلی»، باقی نمانده باشد. وظیفه مشخص دادگاه انصاف عبارت است از تضمین اینکه ذینفع مجاز نباشد از موقعیت، استفاده ناشرافتمندانه ای بنماید و (صرفاً) بر اساس پروفورمائی که مطلقاً هیچ گونه اساس واقعی ندارد، پول دستور دهنده را به جیب بزند.»^{۵۴}

دادگاه رسیدگی کننده به دعوی Intraworld درخواست دستور دهنده مبنی بر منع پرداخت موقت نسبت به یک اعتبارنامه تضمینی را رد کرد؛ زیرا دستور دهنده نتوانسته بود اثبات کند که «ذینفع فاقد طلب همراه با حسن نیت بوده است و یا اینکه اسناد ارائه شده مطلقاً اساس واقعی نداشته اند.»^{۵۵}

محاکم با ملزم دانستن دستور دهنده (خواهان) به اثبات یک واقعیت عدمی، یعنی «فاقد اساس واقعی بودن اسناد»، مانع غیرقابل عبوری برای اثبات ثقلب در معامله، جهت صدور قرار منع پرداخت اعتبارنامه، ایجاد کرده اند. «بل» و سایر پیمانکاران مجبور بودند که برای توجیه دادگاه در صدور قرار منع پرداخت اعتبارنامه، حداقل یکی از این دو مورد مشخص، یعنی مجعول بودن یا متقلبانه بودن اسناد و یا ثقلب در معامله را به اثبات برسانند.

53. Interworld Indust V. Girard Trust Bank 461 pa. at 359-336 A. 2d at 324-25.

۵۴. مراجعه کنید به دعوی فوق:

461 Pa. at 359, 336 A2d 324-25 (Quoting Dynamics Corp V. Citizens & S. Nat'l Bank, 356 F.)

۵۵. مراجعه کنید به مأخذ پاورقی (۵۳).

ج. مطالبه از جانب شخص غیرمجاز

پان آمریکن ورلد ایرویز^{۵۶}، برخلاف «بل» کوشش کرد که نشان دهد مطالبه نسبت به اعتبارنامه تضمینی، همراه با اسناد جعلی یا متقلبانه بوده است. پان آمریکن از دادگاه تقاضا نمود که قرار منع پرداخت موقت علیه بانک آمریکائی صادر کننده دو فقره ضمانتنامه صادره تحت پوشش اعتبارنامه های ایرانی که ضامن دو فقره ضمانتنامه صادره تحت پوشش اعتبارنامه های مذکور بود، صادر گردد.

پان آمریکن مدعی بود که آشوبهای سیاسی در ایران، این بیم واقعی را بوجود آورده است که چه بسا اشخاص غیرمجاز اعتبارنامه ها را مطالبه کرده باشند. اگر معلوم گردد که مطالبه از جانب شخص غیرمجاز بعمل آمده است، بعلمت مجعول یا متقلبانه بودن اسناد می توان قرار منع پرداخت را توجیه کرد^{۵۷}.

قاضی Connor عضو دادگاه ناحیه ای، ناحیه جنوبی نیویورک، قرار منع پرداخت را علیه بانک ایرانی ضامن صادر کرد؛ زیرا خطر مهمی را از حیث مطالبه توسط شخص غیرمجاز احساس می کرد. بالعکس قاضی Connor تقاضای صدور قرار منع پرداخت علیه بانک آمریکائی را رد کرد. او چنین استدلال کرد که بانک ایرانی ذینفع (اعتبارنامه تضمینی) است که امکانات تأمینی کافی برای جلوگیری از مطالبه توسط شخص غیرمجاز را در اختیار دارد^{۵۸}.

۵۶. مراجعه کنید به: Pan Am. V. Bank. Melli, No. 79 Civ 1190 (S.D.N.Y. Apr. 3, 1979)

۵۷. مراجعه کنید به ماده (b) (۲) ۱۱۴-۵ مقررات U.C.C. که صدور قرار منع پرداخت را در مواردی که مطالبه با اسناد مجعول و یا متقلبانه به نظر می رسد، مجاز دانسته است. امضای غیرمجاز آشکارا حاکی از مطالبه متقلبانه و من غیرحنی است. صادر کننده اعتبار می تواند برات صادره از جانب شخص غیرمجاز را نپردازد.

۵۸. مراجعه کنید به: Pan Am. V. Bank Melli, No. 79 Civ 1190 (S.D.N.Y. Apr 4, 1979)

بهرحال مطابق قاعدهٔ مأخوذ از دعوی Caulfield از نظر محاکم ضروری است که دستور دهنده (خواهان) اثبات کند که «مطالبهٔ متقلبانه» بیش از یک امکان است و حداقل احتمال آن وجود دارد.

د. مطالبهٔ ناشی از انگیزهٔ سیاسی

بل سعی می‌کرد که با استناد به اینکه مطالبهٔ جمهوری اسلامی نسبت به ضمانتنامه، ناشی از انگیزهٔ سیاسی بوده است، وقوع تقلب در معامله را اثبات کند. مطابق مفهوم «مطالبهٔ ناشی از انگیزهٔ سیاسی»، هرگاه مطالبهٔ اعتبارنامهٔ تضمینی ناشی از اغراض سیاسی باشد و نه اقتصادی، نوعی تقلب در معامله بشمار می‌آید. در مواردی که محاکم تقاضای منع پرداخت اعتبارنامهٔ تضمینی را پذیرفته‌اند، به این اعتبار بوده است که مطالبهٔ ناشی از انگیزهٔ سیاسی را یکی از مصادیق تقلب در معامله تلقی کرده‌اند^{۵۹}. به این ترتیب دادگاهها از نظر تئوری، آشکال و مصادیق دیگری از تقلب در معامله را نیز عملاً معتبر دانسته‌اند^{۶۰}.

اولین دعوی^{۶۱} که مفهوم مطالبهٔ ناشی از انگیزهٔ سیاسی در آن مطرح شده است، دعوی Dynamics Corporation of America V. Citizens & Southern Nat'l Bank بود^{۶۲}. در دعوی

→
همچنین مراجعه کنید به: Stromberg-Carlson Corp. V. Bank Melli 467 F. Supp at 532. که مقرر نموده است: «دادگاه، بانک ایرانی صادرکنندهٔ ضمانتنامه را از پرداخت ممنوع می‌سازد؛ زیرا آشوبهای سیاسی در ایران خطر جدی مطالبهٔ متقلبانه یا نامعتبر از ضامن (بانک ملی) را ایجاد کرده است. ۵۹ و ۶۰. مراجعه کنید به:

Dynamics Corp. V. Citizens & S. Nat'l Bank, 356 F. Supp. 991- St. Paul Fire & Marine Ins. Co. V. Bankers Trust Co. N.Y.L.J. Nov. 18, 1960, at 14, Col.1 (N.Y. Supp.C.T. 1960); Intraworld V. Girard Trust Bank, 461 Pa. 343.

۶۱. در سال ۱۹۶۰ دادگاه عالی نیویورک در دعوی St. Pual فوق‌الذکر از این مفهوم استفاده کرده است.
۶۲. به پاورقی شماره ۵۴ مراجعه کنید.

خواهان (دستور دهنده) از یک بانک آمریکائی تقاضا کرده بود که یک فقره اعتبارنامه تضمینی بنفع هند صادر کند. این اعتبارنامه راجع به یکی از محموله های نظامی بود که Dynamics به هند تسلیم کرده بود. برای استفاده از اعتبارنامه، هند می بایستی براتی را همراه با گواهی حاکی از اینکه خود را نسبت به مبلغ (برات) مستحق می داند، تسلیم می نمود.

در سال ۱۹۷۱ هند علیه پاکستان وارد جنگ شد و پرزیدنت نیکسون محمولات نظامی هند، از آن جمله تجهیزات نظامی که Dynamics بموجب قرارداد مکلف به تحویل آنها بود، توقیف کرد. قبل از توقیف، Dynamics کالا را تحویل داده بود و ادعا می کرد که تعهد مربوط به یکی از محمولات نظامی را که اعتبار نیز بمنظور تضمین آن گشایش شده بود، بطور کامل انجام داده است.

هند، پس از عملی شدن توقیف، اقدام به مطالبه اعتبارنامه نمود. خواهان با این ادعا که: «هند صرفاً بعلت توقیف کالای نظامی که از جانب ایالات متحده اعمال شده، تقاضای پرداخت اعتبارنامه را کرده و نه بسبب هیچ گونه قصور در انجام تعهد از جانب دستور دهنده»، درخواست صدور قرار منع پرداخت علیه بانک صادر کننده را بعمل آورد.

قاضی Edenfield عضو دادگاه ناحیه ای، ناحیه شمالی جورجیا، قرار منع پرداختی مبنی بر ممنوعیت صادر کننده از قبول مطالبه هند را صادر کرد. او در مورد نقش دادگاه چنین اظهار نظر کرد: «صرفاً تضمین کند که ذینفع مجاز نباشد که از موقعیت استفاده ناشرافتمندانه ای کند و پول خواهان را به استناد پروفورمائی که مطلقاً اساس واقعی ندارد، به جیب بزند.» البته هند می توانست با نشان دادن اینکه مطالبه «دارای مبنای واقعی و حقوقی است»، قرار منع پرداخت را فک کند؛ مشروط بر اینکه الزامی در اثبات اینکه بلحاظ تخلف واقعی دستور دهنده نیز مطالبه معتبری

دارد، نمی داشت.^{۶۳}

«بل» برای توجیه درخواست صدور قرار منع پرداخت مطروحه نزد قاضی Mc.Mahon عضو دادگاه ناحیه ای، ناحیه جنوبی نیویورک، بمفهوم «مطالبه ناشی از انگیزه سیاسی» استناد جست. قاضی یاد شده نظریه مذکور را قبول داشت؛ ولی به این دلیل که در مطالبه (ذینفع ایرانی) «سوءنیت لازم جهت اثبات ادعای تقلب» را مشاهده نکرده بود، درخواست بل را رد کرد.^{۶۴} او از «بل» خواست که اثبات کند جمهوری اسلامی قرارداد اصلی را به دلایل غیر اقتصادی رد کرده و مطالبه نیز با «سوءنیت» بعمل آمده است.

قاضی Mc.Mahon همانند قاضی Ednfield در دعوی Dynamics، به دستور دهنده (خواهان) تکلیف کرد که ثابت کند مطالبه ذینفع بیش از آنکه ناشی از انگیزه های اقتصادی یا تجاری باشد، مبتنی بر عوامل سیاسی بوده است. گرچه قاضی Mc.Mahon معیار و استاندارد برای دلایل لازم جهت اثبات مطالبه ناشی از انگیزه سیاسی، ارائه نداده، ولی این معیار هر چه بوده باشد، بهر حال «بل» نتوانست چنان دلایلی را اقامه کند. قاضی Mc.Mahon این طور نتیجه گیری کرد: «گرچه تقلب در معامله بی گمان در حد یک امکان هست، ولی مدعی اثبات نکرده که محتمل الوقوع نیز می باشد...».

ادعای تقلب در معامله در شکل مطالبه ناشی از انگیزه سیاسی، بعنوان مستند صدور قرار منع پرداخت محتاج اثبات مبانی مختصری است. اولاً دستور دهنده (خواهان) باید این مطلب را که مطالبه ذینفع

۶۳. منظور این است که اگر چه هند می توانست برخلاف آنچه در رأی دادگاه آمده است، برای مطالبه خود مبنای واقعی و خارجی با توجه به قرارداد، اقامه کند و قرار منع پرداخت را فک نماید، ولی نمی توانست قصور و تخلف دستور دهنده در انجام تعهداتش را نیز به اثبات برساند؛ زیرا او به تعهدات خود عمل کرده و دستور رئیس جمهوری آمریکا مانع از حمل کالا گردیده بود. (مترجم)

۶۴. مراجعه کنید به: American Bell V. Islamic Republic of Iran, 474 F. Supp. at 425.

مبتنی بر عوامل تجارتي بوده تخدیش نماید و اثبات کند که این مطالبه ناشی از انگیزه سیاسی بوده است. اگر چه ضابطه این امر مبهم است، ولی قاضی Mc.Mahon معتقد است که دستور دهنده حداقل باید نشان دهد که مطالبه محتملاً — و نه فقط امکاناً — ناشی از عوامل سیاسی بوده است.

ثانیاً ذینفع اعتبارنامه (خواننده) براحتی می تواند با نشان دادن دلایل و مبنای برای مطالبه خود، قرار منع پرداخت را لغو و فسخ کند. در قراردادهای پیچیده ای از نوع قرارداد «بل»، ذینفع مشکل چندانی برای اثبات نقض جزئی و یا حتی «نقض ساختگی» قرارداد (از جانب دستور دهنده) ندارد. پس از اینکه ذینفع مبنایی برای مطالبه خود ارائه کند، دادگاه قرار منع پرداخت را فسخ می کند؛ زیرا دادگاه «تکلیفی برای (رسیدگی ماهوی و) صدور رأی نهائی در خصوص (احراز) اجرای شرایط قرارداد اصلی را ندارد.»

محاکم مفهوم «مطالبه ناشی از انگیزه سیاسی» را محتاطانه بکار گرفته اند؛ ولی از نقطه نظر دستور دهنده در یک اعتبارنامه تضمینی، مطالبه ناشی از انگیزه سیاسی تنها شکل تقلب در معامله است که می تواند صدور قرار منع پرداخت را بطور موفقیت آمیزی توجیه و مستدل سازد.

ه. آشوبهای سیاسی بعنوان معادل تقلب در معامله

بعضی از پیمانکاران آمریکائی غیر از بل، آشوبهای سیاسی ایران را که می توانست در مقابل مطالبه کارفرمایان ایرانی براساس قرارداد مربوط، دفاع موجهی بشمار رود، معادل و مترادف با «تقلب»، جهت صدور قرار منع پرداخت، گرفته اند.^{۶۵}

شعبه دوم دادگاه استیناف ایالات متحده طی تصمیم خود در

۶۵. مراجعه کنید به دعوی:

Kmw V. Chase Manhattan Bank, 606 F. 2d at 13-15 United Technologies V. Citibank
469 F. Supp. at 479-80.

دعوای KMW International V. Chase Manhattan Bank در خصوص این مطلب اختلاف نظر پایداری را در «حقوق عرفی» بنیاد نهاد؛ زیرا مقرر نمود که با توجه به دعوای^{۶۶} Grob V. Manufacturers Trust Co. که مورد رسیدگی واقع شد، آشوبهای سیاسی معادل «تقلب» که لازمه صدور قرار منع پرداخت است، نمی باشد^{۶۷}.

در دعوای Grob دادگاه عالی نیویورک تقاضای دستور دهنده (خریدار) را برای صدور قرار منع پرداخت علیه صادر کننده یک اعتبارنامه تجارتي (اعتبار اسنادی) رد کرد. خریدار مذکور استدلال می کرد که کشتی ژاپنی بارنامه را صادر کرده، ولی کالا را تحویل نداده است. به این ترتیب، عملاً ذینفع (فروشنده) توانسته است پس از صدور بارنامه، وجه اعتبار را وصول کند؛ بدون اینکه خریدار حتی کالا را دریافت کرده باشد. در این موقع، یعنی ۱۹۴۱، ژاپن در منطقه Pacific که فروشنده (ذینفع) چینی در آن عمل می کرد، تغییرات سیاسی عظیمی ایجاد نمود. دادگاه Grob درخواست صدور قرار منع پرداخت را رد کرد؛ با این استدلال که نتیجه هر تصمیم دیگری «چیزی جز این نخواهد بود که تحمل خساراتی که مدعی (خریدار) بموجب قرارداد بعهدۀ خود گرفته است، متوجه فروشنده یا خواننده دعوی (بانک صادر کننده) خواهد شد...»^{۶۸}.

یک ماه بعد، دادگاه عالی نیویورک در دعوای Nadler V. Mei Loong Corporation of China^{۶۹} قرار منع پرداختی براساس واقعیاتی مشابه با آنچه در دعوای Grob وجود داشت، صادر کرد. دادگاه Nadler، با لحاظ کردن اثر تجاوز ژاپن به چین در موضوع دعوی، چنین استدلال نمود که: «مواقع استثنائی وجود دارند که در آنها ضوابط معمول و متداول تجارت و همچنین قواعد مشخص و متقن حقوقی می بایستی بصورت خاصی مورد

۶۶. مراجعه کنید به: 177 Misc. 46/29 N.Y.S. 2d 916. (Sup. Ct. 1941).

۶۷. مراجعه کنید به: KmW. V. Chase Manhattan, 606 F. 2d. at 15.

۶۸. مراجعه کنید به: 177 Misc. 46/29-N.Y.S. 2d at 916.

۶۹. مراجعه کنید به دعوای فوق: 177 Misc. 263, 30 N.Y.S. 2d 323 (Sup. Ct. 1941).

بررسی و ملاحظه قرار گیرند و چه بسا بنفع عدالت و انصاف، بایستی کنار گذارده شوند...».^{۷۰}

دادگاه KMW با بیان این مطلب که: «یک دستور منع پرداخت موقت، بار طرح و تعقیب هر دعوای بین المللی نسبت به قرارداد اصلی را بعهده صادر کننده می گذارد و چنین تحمیل خسارتی، در جایی مانند این مورد که یکی از طرفین یک معامله تجاری بین المللی (با ورود در معامله) قبلاً خود را در معرض خسارات و مخاطرات ناشی از آشوبهای سیاسی قرار داده است؛ صحیح نیست»، (فی الواقع) همان تجزیه و تحلیلی را که در دعوای Grob از Claim Risks^{۷۱} شده است، می پذیرد.^{۷۲}

نباید استدلال و موضع متخذه در دعوای Nadler را با وجود دعوای KMW منتفی و ملغی دانست؛ چرا که دادگاه KMW انقلاب ایران و آشوبهای سیاسی ناشی از آن را، بعنوان یک «موقعیت استثنائی» که بتواند قرار منع پرداخت را توجیه کند، بنحو آشکار احراز و تلقی ننمود. محاکم، برای صدور قرار منع پرداخت، عملاً استناد به آشوبهای سیاسی را موقوف کرده اند و بجای آن مشخصاً به موارد و مبانی دیگری از قبیل اسناد مجعول یا متقلبانه و یا تقلب در معامله استناد می جویند. با توجه بمراتب فوق دستور دهنده در یک اعتبارنامه تضمینی شانس کمی برای تحصیل قرار منع پرداخت علیه بانکهای آمریکائی و صرفاً به استناد آشوبهای سیاسی را دارد؛ بخصوص وقتی مطالبه با شرایط اعتبار منطبق باشد.

۷۰. مراجعه کنید به دعوای فوق: 264, 30 N.Y.S. 2d at 324.

۷۱. مراجعه کنید به پاورقی ۲۸.

۷۲. مراجعه کنید به دعوای: KMW-606-F 2d at 15.

قاضی Gogliardi در یک دعوای دیگر مربوط به اعتبارنامه های تضمینی ایرانی، تحلیل مذکور در دعوای Grob را بر تحلیل مندرج در دعوای Nadler برگزیده است. او مقرر داشته است که آشوبهای سیاسی که فقط اجرای (قرارداد) را ممتنع می سازند، قرار منع پرداخت را توجیه نمی کنند. مراجعه کنید به:

United Technologies V. Citibank, 469F. Supp. 473.

دادگاه «بل» چنین رأی داد که بل ورود خسارت جبران ناپذیر (در صورت عدم صدور قرار منع پرداخت) را مطابق ضوابطی که در دعوی Caulfield مقرر شده، اثبات نکرده است.^{۷۳} دادگاه اظهار داشت که چنانچه صادر کننده، مطالبه متقلبانه را پردازد، در این صورت بل می تواند خسارت قانونی مناسب را از بانک صادر کننده آمریکائی و بانک ایرانی ذینفع اعتبارنامه وصول کند. وقتی بل این حق را دارد که خسارت قانونی مناسب را مطالبه کند، در این صورت ولو اینکه دادگاه درخواست صدور قرار منع پرداخت او را رد کند، خسارت غیر قابل جبرانی متوجه او نخواهد شد. بعضی محاکم چنین رأی داده اند که بدون وجود یک مطالبه واقعی (ادعای ورود) هرگونه خسارت، فرضی بیش نیست.^{۷۴}

واقعیت این است که با فرض عدم صدور قرار منع پرداخت، این خسارات وارده به بل که ناشی از پرداخت من غیر حق اعتبارنامه بود، لا وصول می ماند؛ زیرا در این صورت بل مجبور بود اثبات کند که صادر کننده در پرداخت مطالبه ای که همراه با اسناد منطبق (با شرایط اعتبار) بوده، پس از دریافت اخطار وقوع تقلب، با «حسن نیت» عمل نکرده است.^{۷۵}

دادگاه عالی نیویورک با اظهار این مطلب که: «دستور دهنده در هر نوع دعوی بعدی (بعد از رد درخواست صدور قرار منع پرداخت) بایستی

۷۳. مراجعه کنید به دعوی: American Bell V. Islamic Republic, 474 F. Supp. at 422-23.

۷۴. مراجعه کنید برای مثال به:

KMW V. Chase Manhattan Bank, 606 F. 2d at 15; Harris Corp. V. Bank Melli, No. 79 Civ. 560 (N.D. III 22, 1979).

بدون یک مطالبه واقعی، دادگاه صلاحیتی براساس موضوع مورد بحث و متنازع فیه، احراز نکرده است.

۷۵. مراجعه کنید به مقررات: U.C.C. 5-114 (2) (b), 5-109 (1972 Version).

علیه صادر کننده دادخواست بدهد، و صادر کننده بخوبی می تواند استدلال کند که دادگاه با رد درخواست قرار منع پرداخت موقت، عمل او را در پرداخت موجه دانسته است»^{۷۶}؛ مشکل دستور دهنده را بخوبی بیان و مشخص کرده است. این واقعیت که دادگاه تقاضای قرار منع پرداخت موقت را رد کرده، خود بخود حاکی از وجود «حسن نیت» صادر کننده در موردی است که او در دفاع از خود، بهمین دلیل استناد جسته باشد. تاکنون هیچ دستور دهنده ای نتوانسته است نشان دهد که صادر کننده ای که مطالبه منطبق با شرایط اعتبار را پرداخته، با حسن نیت عمل نکرده است.

علاوه بر این، استدلال دادگاه «بل» مبنی بر اینکه «بل» می تواند خسارت قانونی مناسب را از بانک ایرانی ذینفع (اعتبارنامه بانک آمریکائی) مطالبه کند، مسلم نیست؛ زیرا بسیار روشن است که بلحاظ موضع کینه توزانه ضد آمریکائی که ایران اتخاذ نموده بود، بل نمی توانست در محاکم ایران، دعوائی علیه بانک ایران شهر طرح نماید و دادگاه بل خود نیز به این نکته وقوف داشته است. بعلاوه برای طرح دعوی علیه ذینفع ایرانی در محاکم امریکا نیز بل مجبور بود صلاحیت دادگاه را اثبات نماید^{۷۷}. بفرض هم که صلاحیت دادگاه محرز بود، باز این مسئله باقی می ماند که آیا «بل» می توانست با وجود اینکه پرزیدنت کارتر دارائیهای ایران در ایالات متحده را مسدود کرده بود، دارائیهای مذکور را توقیف و حکم صادره را از محل آنها اجرا کند؟^{۷۸}

۷۶. مراجعه کنید به: Nadler V. Mei Loong Corp. 177 Misc. at 264, 30 N.Y.S. 2d at 324.
۷۷. دادگاه بل وارد این مسئله نشده بود که آیا ذینفع ایرانی (خواننده دعوی)، با توجه به قانون «مصونیت حاکمیت خارجی» (از حیث مواد) 474 F. (Supp. 1979), 28 U.S.C. 1605 (a) (2), 1610 (b) (2) (Supp. 1979), 474 F. (Supp. at 423) در صلاحیت دادگاه واقع می شود یا نه؟ (منظور دعوی مربوط به قرارداد اصلی است. مترجم).

۷۸. مراجعه کنید به: N. Y. Times, nov. 14 1979 at A1, Col 4 (منظور نویسنده این است که نشان دهد با توجه به عدم صدور قرار یا حکم منع پرداخت ضمانتنامه، بل از جهات مختلف با خسارات جبران ناپذیری مواجه بوده است. مترجم).

دادگاه بل چنین رأی داد که بموجب قسمت دیگری از قاعده مقرر در دعوی Caulfield^{۷۹}، (در صورت عدم صدور قرار منع پرداخت)، شاهین موازنه مشکلات بسوی «بل» متمایل نخواهد شد؛ بلکه در عوض متوجه بانک آمریکائی صادر کننده خواهد شد. دادگاه بل قبول داشت که بدون صدور قرار منع پرداخت، «بل» با چشم اندازی از خسارات مضاعف مواجه خواهد شد؛ (چرا که) هم ۳۰/۲ میلیون دلار بابت اعتبارنامه را از دست می داد و هم هیچ گاه نمی توانست بهای خدماتی را که برای کارفرمای ایرانی انجام داده دریافت نماید. چنین خسارات مضاعفی شرکتهای کوچک را به ورشکستگی نیز کشانده است. در قبال این خسارات محتمل نسبت به بل، دادگاه سه نوع از مشکلات احتمالی را که بانک آمریکائی صادر کننده، در صورت صدور قرار منع پرداخت، با آن مواجه می گردید، مورد سنجش و موازنه قرار داد.

اولاً دادگاه بل و سایر محاکم ورود لطمه به اعتبار و حیثیت بانکهای آمریکائی در جامعه بانکی بین المللی را که از صدور قرار منع پرداخت اعتبارنامه ناشی می شود، مورد توجه قرار داده اند^{۸۰}. این بی اعتباری بر جامعه غیر بانکی (تجارت بین المللی) نیز تأثیر خواهد گذارد. «کانون بانکداران برای تجارت خارجی» استدلال کرده است که: «یک قرار منع پرداخت موقت، کاربرد مؤثر اعتبارنامه های بانکی را

۷۹. بموجب قاعده مقرر در دعوی مذکور، هنگامی که خواهان بتواند مبانی جدی و واقعی را در جهت اینکه دعوی او یک دعوی مستند است و یا مشکلاتی را که بطور قطع در اثر عدم صدور قرار منع پرداخت متوجه او خواهد شد، نشان دهد، ولو اینکه نتواند موفقیت احتمالی در دعوی ماهوی را اثبات کند، دادگاه قرار منع پرداخت را صادر خواهد کرد...

۸۰. مراجعه کنید به دعوی:

KMW V. Chase Manhattan 606 F 2d at 17 American Bell V. Islamic Republic, 474 F. Supp. at 426.

بعنوان ابزار تأمین مالی مطمئن در تجارت و صنعت ایالات متحده، به مخاطره خواهد افکند».^{۸۱}

دومین مشکلی که دادگاه بل برای صادرکننده آمریکائی پیش بینی می کرد، این بود که در صورت صدور قرار منع پرداخت، ممکن است دولت ایران دست به اقدام تلافی جویانه زده و معامله بمثل نماید؛ زیرا ایران تمایل چندانی به معامله با بانکها و شرکتهای آمریکائی ندارد و بنابراین از اینکه علیه بانکهای آمریکائی که مطالبه او نسبت به اعتبارنامه ها را نپرداخته اند، معامله بمثل نماید، ابائی نخواهد داشت^{۸۲}. در صورتی که ایران در مورد دارائیهای بانک صادر کننده در ایران اقدام مشابهی بعمل آورد، بانک مذکور خیلی بیش از ۳۰/۲ میلیون دلاری که ممکن است بل، در اثر عدم صدور قرار منع پرداخت از دست بدهد، متضرر خواهد شد.

سومین مشکلی که بانک آمریکائی صادر کننده با آن مواجه می شود، این است که قرار منع پرداخت، مآلاً ریسک ناشی از معاملات بین المللی را از دستور دهنده متوجه بانک صادر کننده می سازد. قاضی Mc Mahon اظهار داشت: «بین دو نفر بیگناه و غیر ذیمدخل، شخصی که بموجب قرارداد، ریسک ناشی از بی ثباتی و تغییر ناگهانی حکومت را پذیرفته است، بایستی هنگام بروز و عینیت یافتن خطر عهده دار آن شود.» دادگاه بل عقیده داشت که اگر قرار است شخصی خسارات ناشی از یک معامله بین المللی را متحمل شود، این شخص «بل»، بعنوان کسی که بموجب قرارداد تحمل آن را پذیرفته، خواهد بود؛ نه شخص ثالث بیطرفی همچون بانک آمریکائی صادر کننده اعتبارنامه.

۸۱. مراجعه کنید به:

Brief of bankers' Association for Foreign Trade and Institute of foreign Bankers As Amici Curiae, argued by H. Harfield, Bank Credits and Acceptances 31-34 5th. ed. 1974.

۸۲. مراجعه کنید به دعوی بل. ایران قبلاً نیز اقدام تلافی جویانه ای بعمل آورده بود. در نوامبر ۱۹۷۹ دولت ایران کوشید که میلیاردها دلار سپرده های خود نزد بانکهای آمریکائی را بمنظور تحت فشار گذاردن دولت آمریکا برای استرداد شاه به ایران، از بانکهای مذکور خارج کند.

مراجعه کنید به: N.Y. Times, Nov. 14. 1979, at Al. Col. 4.

بهرحال حیثیت اعتباری بانکهای آمریکائی در این مورد آن قدرها که دادگاه بل تصور کرده است با صدور قرار منع پرداخت، مخدوش نمی شود. کسانی که در آینده وارد معاملات بین المللی می شوند، باید بدانند که دعاوی مربوط به ایران، یک وضع خاص و استثنائی است که عمدتاً ناشی از یک انقلاب سیاسی قهرآمیز می باشد. صدور قرار منع پرداخت در دعاوی مربوط به ایران، تأثیر کمی در معاملات آتی خواهد داشت؛ مگر اینکه طرفین چنان معاملاتی منتظر تغییر ناگهانی سیاسی مشابهی در کشور ذینفع (اعتبارنامه) باشند که در این صورت بسیار بعید بنظر می رسد که طرف مقابل اساساً و از ابتدا حاضر شود با ذینفع قراردادی منعقد کند.

۳

کاربرد اعتبارنامه های تضمینی

الف. نقش «مفهوم مطالبه ناشی از انگیزه سیاسی»

شکل «مطالبه ناشی از انگیزه سیاسی» از قلب در معامله، هماهنگی در دو اصل مهم از اصول خط مشی مربوط به اعتبارنامه ها را اقتضا می نماید.

اولاً: محاکم می خواهند تمامیت و ارزش تجاری اعتبارنامه ها را با لازم الاجرا دانستن مفاد آنها بشرط تطبیق اسناد با شرایط اعتبار، حفظ کنند. «فایده مهم اعتبارنامه ها ناشی از استقلال و جدا بودن تعهد بانک صادر کننده از قرارداد اصلی فیما بین ذینفع و دستور دهنده است.»^{۸۳}

دادگاه بل و سایر محاکم رسیدگی کننده به دعاوی ایران، ارزش

۸۳. مراجعه کنید به دعوی:

Intraworld Indus. V. Girard Trust Bank, 4 61pa. at 336 A2d at 232.

فراوانی برای حفظ تمامیت اعتبارنامه‌ها قائل شده‌اند.^{۸۴}

ثانیاً: رویه عمومی با تقلب مخالف است. قاضی Shientag در
دعوی «اشتاین» اعلام کرد که «قلمرو قاعده جدا بودن تعهد ناشی از
اعتبارنامه بانک، نباید تا آنجا توسعه یابد که از ذینفع بی‌اعتنای به موازین
قانون شکن نیز حمایت کند»^{۸۵}.

بهرحال مطالبه ناشی از انگیزه سیاسی موجب تحقق «تقلب»
می‌شود؛ زیرا ذینفع، با چنین مطالبه‌ای از مقاصد و اهداف تجاری
اعتبارنامه تضمینی سوء استفاده می‌کند.^{۸۶}

بکارگیری ماهرانه مفهوم مطالبه ناشی از انگیزه سیاسی، بدون
اینکه از تمامیت اعتبارنامه تضمینی بکاهد، از تقلب آشکار جلوگیری
می‌کند. حفظ این تمامیت از دو طریق امکان پذیر است:

اول اینکه محاکم دستور دهنده (خواهان) را ملزم کنند که برای
اثبات انگیزه سیاسی در ورای مطالبه، ادله مثبت‌ای را در مقیاس و
استاندارد بالا ارائه نمایند. الزام به اقامه دلیل در یک استاندارد بالا، مانع از
این می‌شود که دستور دهنده در هر دعوائی قرار منع پرداخت تحصیل
کند؛ مگر در دعاوی بسیار مستدل. بدین ترتیب، استناد بمفهوم مطالبه
ناشی از انگیزه سیاسی، تمامیت اعتبارنامه‌های تضمینی را از تأثیر و
مخاطره برکنار نگاه می‌دارد.

دوم اینکه ذینفع می‌تواند با اثبات مبانی حقوقی واقعی برای
مطالبه اش، قرار منع پرداخت را لغو کند.^{۸۷}

ذینفعی که مطالبه معتبری دارد، مشکل چندانی برای فسخ قرار منع

۸۴. مراجعه کنید به دعوی:

KMW V. Chase Manhattan, 606 F. 2d at 16; American Bell V. Islamic Repub. 474 F
Supp. at 426.

۸۵. مراجعه کنید به دعوی اشتاین 177 Misc. at 723, 31 N.Y.S. 2d at 634

۸۶. این نظر نویسنده است، و دادگاه بل و سایر محاکم آن را به آسانی و سادگی از مصادیق تقلب که موجب
صدور قرار منع پرداخت می‌شود، ندانسته‌اند. (مترجم)

۸۷. مراجعه کنید به دعوی: Dynamics Corp. V. Citizen & Nat'l Bank, 356 F. Supp. at 999.

پرداخت نخواهد داشت. گرچه بکارگیری مفهوم مطالبه ناشی از انگیزه سیاسی تمامیت اعتبارنامه‌های تضمینی را کمی مخدوش می‌سازد؛ ولی در عوض از بی‌عدالتی مسلم نسبت به دستور دهنده جلوگیری می‌کند.

ب. نقش «قدرت معامله» ذینفع (Bargaining Power) در قرارداد

نمونه (قرارداد) بل مثال بارزی از وضعیتی است که در آن ذینفع نسبت به دستور دهنده دارای قدرت معامله برتری بوده است. وزارت جنگ ایران بعنوان ذینفع، از بل، بعنوان دستور دهنده، چهار امتیاز عمده در قرارداد گرفت. این امتیازات عبارت بودند از:

۱. بل را ملزم کرد که با تحصیل یک اعتبارنامه تضمینی، ضمانتنامه صادره از یک بانک ایرانی بنفع وزارت جنگ را تأمین کرده، بپوشاند.

۲. بل ملزم شد که اعتبارنامه تضمینی را که فقط در قبال ارائه یک برات دیداری و اولین مطالبه کتبی قابل پرداخت بود، تهیه کند.

۳. وزارت جنگ برای صدور ضمانتنامه بنفع خود، یک بانک ایرانی را انتخاب کرد.

۴. وزارت جنگ تأکید داشت که محاکم و قوانین ایران حاکم بر کلیه اختلافات ناشی از قرارداد اصلی باشند.

بکار گرفتن مکانیسم «اولین مطالبه کتبی» در اعتبارنامه تضمینی (بل)، J.R.^{۸۸} را نسبت به ذینفع به حداقل می‌رساند. وزارت جنگ با انتخاب یک بانک معتبر امریکائی بعنوان صادر کننده، E.R.^{۸۹} را نیز نسبت به خود کاهش داد. این نوع اعتبارنامه تضمینی، J.R. و E.R. را متوجه دستور دهنده و صادر کننده می‌نماید. علیرغم داشتن قدرت معامله برتر، وزارت جنگ موافقت کرد که مبلغ ۳۸/۸ میلیون دلار بعنوان

۸۸ و ۸۹. مراجعه کنید به پاورقی ۲۸ مترجم.

پیش پرداخت قرارداد ۲۸۰ میلیون دلاری، به بل پردازد.

این پیش پرداخت که سرمایه اولیه جهت شروع به کار و تولید محصول بشمار می رود، هزینه های معامله را نیز کاهش می داد. عمل وزارت جنگ در موافقت با انجام این پیش پرداخت نشان می دهد که چگونه پس از کاهش ۹۰ C.R. و تعبیه یک ابزار (بانکی - مالی) تضمینی، حتی ذینفع با قدرت معامله برتر نیز حاضر می شود که اقداماتی (از قبیل همان پیش پرداخت) که هزینه های معامله را کاهش می دهد، بپذیرد.

بطور کلی طرفی که دارای قدرت معامله برتر است، اصرار می ورزد تا طرف دیگر که قدرت معامله کمتری دارد ابزار تضمینی ثنی (اعتبارنامه) تعبیه نماید، تا او را در قبال تخلف از اجرای قرارداد، تأمین کند. طرف دارای قدرت معامله برتر، اصلاحاتی را در قرارداد می پذیرد، مشروط بر اینکه این اصلاحات E.R. و J.R. یا هزینه های قرارداد را کاهش دهد و یا لاقلاً منتهی به افزایش آنها نگردد. تصمیمات محاکم، نسبت به نوع ابزارهای تجارت بین المللی یا نتایج قدرت معامله در قرارداد، تأثیر واقعی کمی دارند. بدین ترتیب چنانچه محاکم امریکا قلمرو «تقلب در معامله» را توسعه بخشیده بودند، (بیگمان) ذینفعهای احتمالی که دارای قدرت معامله برتر هستند، ابزارهای دیگری را بکار می گرفتند (مانند ضمانتنامه)، و یا چه بسا دیگر به تجارت نمی پرداختند.

ج. ویژگیهای اعتبارنامه های تضمینی

دعاوی مربوط به ایران، مسائلی را در مورد ویژگیهای اعتبارنامه های تضمینی در تجارت بین الملل مطرح کرده است: اعتبارنامه

۹۰. مراجعه کنید به پاورقی ۲۸ مترجم.

تضمینی تا چه اندازه می تواند بعنوان یک مکانیسم تأمین منابع مالی عمل کند؟
اعتبارنامه تضمینی بعنوان یک ابزار تضمینی، تا چه حد می تواند منافع ذینفع و
دستور دهنده را حفظ و تأمین نماید؟

۱. اعتبارنامه تضمینی بعنوان یک مکانیسم تأمین منابع مالی

اعتبارنامه تضمینی بعنوان یک مکانیسم تأمین منابع مالی،
کاربرد خوب و بسیار گسترده ای دارد؛ زیرا هزینه معاملات آن بسیار کم
است و E.R. ذینفع را نیز به حداقل می رساند. هزینه معاملات یک
اعتبارنامه تضمینی محدود به کارمزد بانک صادر کننده برای تطبیق اسناد
با شرایط اعتبار است^{۹۱}. نوعاً دریافت وجه اعتبارنامه تضمینی مستلزم
صدور یک برات دیداری و ارائه اسنادی از سوی ذینفع است؛ مبنی بر اینکه
دستور دهنده مبلغ مقرر را به او بدهکار می باشد.

صادر کننده هنگام تطبیق این دو سند مختصر و ساده با شرایط
اعتبار، متحمل هزینه کمی می شود. برعکس، ضامن (در ضمانتنامه ها)
هنگام بررسی مطالبه بعمل آمده بلحاظ لزوم تحقیق در مابه ازای و رای
اسناد و مطالعه در واقعیات خارجی و عینی، هزینه های معاملات آن را نیز
متحمل می گردد.

اعتبارنامه علاوه بر این، E.R. ذینفع را کاهش می دهد. ذینفع به
دارائیهها و ملائت بانک صادر کننده ای که خود برگزیده، متکی است. او
با انتخاب صحیح بانک صادر کننده (پیشاپیش) اطمینان حاصل می کند
که بانک دارائی کافی برای اجابت و پرداخت مطالبه او خواهد داشت.

علاوه بر این دستور دهنده نیز از اعتبارنامه تضمینی بعنوان یک
مکانیسم تأمین منابع مالی سود می برد. بدون اعتبارنامه تضمینی، دستور

۹۱. هم مقررات U.C.C. و هم مقررات U.C.P. مسئولیت صادر کننده را محدود به رسیدگی دقیق به اسناد
جهت تعیین اینکه آیا با شرایط اعتبار منطبق است یا خیر، کرده است:

U.C.P, arts, 7-9 و U.C.C.-5-109 (1972).

دهنده مجبور خواهد بود که مکانیسم تأمین منابع مالی دیگری که E.R. ذینفع را نیز تقلیل دهد، مانند افتتاح و واریز پول به حساب واسطه (Escrow A/C)، تهیه و تدارک نماید.

اگر دستور دهنده نتواند ابزار تأمین منابع مالی دیگری (غیر از اعتبارنامه‌ها) بیابد که این ضروریات (کم بودن هزینه معاملاتی و پوشاندن E.R.) را نیز پاسخ گوید، چه بسا ذینفع اساساً با او معامله نکند. بعلاوه دستور دهنده، از آن جهت که تا قبل از پرداخت وجه اعتبار توسط صادر کننده، از مبلغ مذکور در اعتبارنامه استفاده می کند نیز از این ابزار بانکی سود می جوید.^{۹۲} اعتبارنامه، هم برای دستور دهنده و هم برای ذینفع یک مکانیسم تأمین منابع مالی فوق العاده جالب بشمار می رود.

۲. اعتبارنامه تضمینی بعنوان یک ابزار تضمینی:

عوامل سه گانه زیرین معلوم می کنند که یک ابزار تضمینی تا چه اندازه خوب عمل می کند و کاربرد دارد:

۱. J.R. ذینفع را تا چه حد تقلیل می دهد؟
۲. میزان هزینه های معاملاتی که برای تهیه اسناد لازم دارد چقدر است؟

۳. تا چه حد دستور دهنده را در قبال مطالبه بیجا مصون می دارد؟ اعتبارنامه تضمینی استاندارد و متداول که در قبال ارائه یک برات دیداری و یک سند کتبی تنظیم شده توسط ذینفع و حاکی از استحقاق او برای مطالبه، قابل پرداخت است، از نقطه نظر ذینفع فونکسیون بسیار مطلوبی دارد؛ ولی از نظر دستور دهنده این طور نیست.

هزینه های معاملاتی که ذینفع برای تهیه برات دیداری و گواهی

^{۹۲} منظور این نیست که دستور دهنده تا قبل از پرداخت وجه اعتبار می تواند وجه آن را دریافت یا سپرده گذاری و یا ... نماید. بلکه ظاهراً قصد نویسنده این بوده که چون مبلغ اعتبار به نام دستور دهنده است و منابع مالی مورد نیاز او از این طریق تأمین شده است، بنابراین مادام که این مبلغ به ذینفع پرداخت نشده است، دستور دهنده به تبع اعتبارنامه، از وجه آن نیز منتفع می گردد. (مترجم)

حاکمی از استحقاق خود برای مطالبه متحمل میشود، بسیار جزئی و (حتی) قابل اغماض است. بعلاوه J.R. بسیار مختصری متوجه او است.

دستور دهنده، برای متقاعد کردن دادگاه جهت صدور قرار منع پرداخت علیه بانک صادر کننده در مواردی که اسناد نیز با شرایط اعتبار منطبق است، مجبور است مطابق ماده (۲) ۱۱۴-۵ مقررات U.C.C.، «تقلب» در معامله را به اثبات برساند.^{۹۳} دعاوی مربوط به ایران موانع سخت و احتمالاً غیرقابل عبوری را که دستور دهنده برای تحصیل چنین قرار منع پرداختی پیش رو دارد، بخوبی مشخص کرده است. (فی الواقع) دستور دهنده از هیچ گونه حمایت عملی در قبال مطالبه غیر معتبر ذینفع برخوردار نیست.

۴

توصیه‌هایی در مورد ابزارهای تضمینی بین‌المللی در آینده

اینک ساختارهای مختلف از ابزارهای تضمینی را که برای استفاده در تجارت بین‌المللی طرح ریزی شده‌اند، ارائه و طرح می‌کنیم. ارزیابی و بررسی هر یک از انواع این مکانیسمهای تضمینی با توجه و ملحوظ داشتن عناصری بعمل خواهد آمد که دستور دهنده و ذینفع هر دو می‌خواهند که به بهترین وجهی در مکانیسمهای مذکور رعایت و اعمال شده باشند. این عناصر عبارتند از:

- کاهش J.R. نسبت به ذینفع.
- مصون داشتن دستور دهنده در قبال مطالبه بیجای ذینفع.
- تقلیل هزینه‌های معاملاتی که برای تهیه اسناد لازم جهت مطالبه، ضروری است.

۹۳. مراجعه کنید به دعاوی:

Intraworld Indus. V. Girard Trust Bank. 461 Pa. 343, 336 A2d. 316.,-NMC Enterprises V. Columbia Broadcasting. 14 U.C.C. Rep. (Callaghan & Co.) 1427., Shaffer V. Brooklyn Park Garden Apt., 250 N.W. 2d. 172 (Minn. 1977).

قبل از بحث در اطراف مکانیسمهای تضمینی، ویژگیهای ضمانتنامه - هم بعنوان یک مکانیسم تأمین منابع مالی و هم بمثابة یک مکانیسم تضمینی - نیز مورد ارزیابی واقع خواهد شد.

الف. ضمانتنامه‌ها

اگر چه ضمانتنامه همانند یک اعتبارنامه، E.R. را نسبت به ذینفع کاهش می دهد، ولی بعنوان یک مکانیسم تأمین منابع مالی، فونکسیون بخوبی اعتبارنامه ندارد؛ معهذا ذینفع، بانکی را بعنوان ضامن برمی گزیند که برای پرداخت مطالبه براساس ضمانتنامه دارائی کافی داشته باشد. تفاوت اصولی بین اعتبارنامه و ضمانتنامه ناشی از هزینه های بیشتری است که ضامن در جریان رسیدگی به مطالبه وجه الضمان متحمل می شود؛ چرا که ضامن مکلف است در ورای اسناد ارائه شده برای مطالبه وجه الضمان نیز تحقیق و بررسی نماید و واقعیات مسلمی را (که مستند مطالبه هستند) احراز کند. احراز اینکه این واقعیات چه هستند، مستلزم هزینه هائی بمراتب بیش از تطبیق ساده اسناد با شرایط اعتبارنامه است.

ضمانتنامه بعنوان یک مکانیسم تضمینی، در قبال مطالبه بیجای مضمون له متضمن حمایت بیشتری از دستوردهنده (مدیون اصلی) است. دستور دهنده (مدیون اصلی) می تواند دفاع خود را بر قرارداد اصلی فیما بین مبتنی کند؛ زیرا قاعده «استقلال قرارداد»^{۹۴} شامل ضمانتنامه ها نمی شود. بعنوان نتیجه حاصله از حمایتی که ضمانتنامه در قبال مطالبه بیجای ذینفع و نسبت به دستور دهنده (مدیون اصلی) در بردارد، ضمانتنامه ها J.R. ذینفع را نیز افزایش می دهند. در ضمانتنامه، ذینفع بایستی اثبات کند که دستور دهنده بالفعل مرتکب تخلف و قصور در قرارداد اصلی شده است. بالعکس در اعتبارنامه، ذینفع فقط بایستی نشان دهد که

۹۴. منظور، قاعده مقرر در مورد اعتبارنامه هاست، مبنی براینکه اعتبارنامه نسبت به قرارداد اصلی قی نفسه قرارداد جداگانه ای محسوب می شود. (مترجم)

اسناد با شرایط اعتبارنامه منطبق است. هزینه‌های تهیه اسناد لازم جهت مطالبه یک ضمانتنامه، تقریباً معادل هزینه‌های مطالبه یک اعتبارنامه تضمینی متداول است.

استفاده از هر دو نوع این ابزارها، مستلزم یک برات دیداری و گواهی است حاکی از اینکه ذینفع بعلت قصور دستور دهنده - مدیون اصلی - (در انجام تعهدات قراردادی)، استحقاق وصول وجه را دارد. ضمانتنامه، به قیمت افزایش J.R. ذینفع، در قبال مطالبه بیجای او، متضمن حمایت بیشتری از دستور دهنده - مدیون اصلی - می باشد.

طرفین یک معامله بین المللی، ترجیح می دهند که مقررات منع صدور ضمانتنامه در مورد بانکهای داخلی آمریکا، لغو گردد. تجویز صدور ضمانتنامه توسط بانکهای داخلی آمریکا، میدان عمل طرفین برای انتخاب ابزارهای تضمینی را، توسعه خواهد بخشید. انعطاف بیشتر، دستور دهندگان (متعهدین در قراردادها) ۹۵ بیشتری را به بازار بین المللی خواهد آورد که در غیر این صورت از ورود در این بازار سر باز می زنند.

ضمانتنامه برای دستور دهنده - مدیون اصلی - که می خواهد در قبال مطالبه بیجای طرف مصون بماند، جذابیت خاصی دارد. بهر حال بعید است که فدرال رزرو و مرجع کنترل کننده پول مقررات منع صدور ضمانتنامه توسط بانکهای آمریکائی را لغویا اصلاح نماید. در واقع، بیم ورشکستگی بانکها ناشی از بکارگیری بی حد و حصر مکانیسمهای تضمینی، سنای آمریکا را مجبور کرد که در جهت کاهش استفاده از اعتبارنامه‌های تضمینی کوششهایی بعمل آورد. چنانچه بازرگانان تحصیل ضمانتنامه را ترجیح دهند، می توانند از مقررات M ۹۶ که بموجب آن شعبه خارجی یک بانک آمریکائی مجاز بصدور ضمانتنامه است، استفاده نمایند.

۹۵. چون در هر قرارداد طرف متعهد موظف به تهیه ضمانتنامه یا اعتبارنامه در مورد تعهدات قراردادی خود می باشد، لذا لغو این مقررات عملاً نفع آنهاست. (مترجم)

۹۶. مراجعه کنید به مقررات (1979) (1) (b) 3 (1) 2 C.F.R. 213. از مقررات فدرال رزرو آمریکا.

ب. اعتبارنامه تضمینی

اعتبارنامه تضمینی بعنوان یک مکانیسم تأمین منابع مالی مرجع است؛ ولی مطلوبیت و ارزش این ابزار بعنوان یک مکانیسم تضمینی برحسب شکل و ساخت آن متفاوت است. طی این مقاله شکلهای مختلف اعتبارنامه‌های تضمینی، با شروع از بررسی ساختاری که از نقطه نظر ذینفع بیش از همه مطلوبیت دارد، ارائه خواهد شد. در طول بررسی این ساختارها، دو نکته مقدماتی را بایستی همواره بخاطر داشت:

اولاً: هیچ‌یک از این اشکال مختلف کامل نیست؛ زیرا منافع دستور دهنده از حیث مصون بودن در قبال مطالبه بیجا، با مصالح ذینفع از جهت کاهش J.R. مستقیماً در تعارض است. بنابراین مطلوبیت شکل و ساختاریک مکانیسم تضمینی بسته به این است که از نقطه نظر چه کسی بدان نگریسته شود: ذینفع یا دستور دهنده؟ بعلاوه ساختار منتخب اعتبارنامه تضمینی بسته به قدرت معامله دستور دهنده و ذینفع نیز هست. در عین حال هر دو طرف در کاهش هزینه‌های تهیه اسناد لازم جهت مطالبه وجه اعتبارنامه، منافع مشترکی دارند.

ثانیاً: بهترین روشی که طرفین می‌توانند برای حفظ منافع خود در پیش گیرند این است که اشخاص ثالث مورد اعتمادی را بعنوان Trading Partner انتخاب کنند؛^{۹۷} چرا که مکانیسمهای تضمینی هنگامی بکار می‌آیند که طرفین نتوانند اختلافات خود را بطور غیررسمی حل و فصل کنند. در نظر گرفتن یک مؤسسه یا کارگزار قابل اعتماد و دقیق‌النظر می‌تواند ساختار نامطلوب اعتبارنامه تضمینی را مطلوب سازد.

۹۷. منظور نویسنده از Trading Partners (شریک تجاری)، این نیست که شخصی در معامله فیما بین طرفین شریک و سهیم گردد؛ بلکه ظاهراً و با توجه بعبارت بعدی مقصود این است که طرفین یک اعتبارنامه تضمینی توافق کنند که شخص ثالثی در قرارداد وارد شده، مداخله کند و هنگام مطالبه و پرداخت، نظراً و بعنوان نظر نهائی اعلام شود، و بدین طریق نارسائی اجتناب ناپذیر در اشکال مختلف اعتبارنامه تضمینی جبران شود. (مترجم)

نکته آخر، قبل از بررسی اشکال مختلف اعتبارنامه های تضمینی، اینک که دستور دهنده بایستی شرط « صدور اخطاریه تمهیل مهلت » را در اعتبارنامه های تضمینی بگنجانند. « اخطاریه تمهیل » این فرصت را به دستور دهنده می دهد که مطالبه ذینفع را بررسی کند تا معلوم شود که آیا تحصیل یک قرار منع پرداخت علیه صادر کننده لازم است یا نه؟ شرط صدور یک اخطاریه سه روزه در اعتبارنامه تضمینی، با مهلتی که بموجب مقررات U.C.C. مجاز تلقی شده، منطبق و هماهنگ است.^{۹۸}

در دعاوی مربوط به ایران، دستور دهنده آمریکائی مجبور بود برای تحصیل اخطاریه تمهیل، به دادگاه مراجعه کند؛ زیرا در اعتبارنامه تضمینی، از قبل چنین شرطی نشده بود.^{۹۹} اخطاریه تمهیل مهلت بهیچ یک از طرفین آسیب و ضرر مهمی نمی رساند؛ بلکه امکان دستور دهنده را برای درخواست و تحصیل دستور منع پرداخت، از دادگاه و در قبال مطالبه بیجای ذینفع، توسعه می بخشد. بهر حال و قطع نظر از شکل و ساختار اعتبارنامه تضمینی، دستور دهنده بایستی نسبت به درج شرط صدور اخطاریه تمهیل مهلت اصرار ورزد. (ساختارهای پیشنهادی برای اعتبارنامه های تضمینی در آینده :)

۱. ذینفع، بعنوان صادر کننده اسناد لازم جهت مطالبه

در اعتبارنامه های تضمینی متداول مقرر می شود که ذینفع خود اسناد لازم جهت مطالبه را^{۱۰۰}، یعنی یک برات دیداری همراه با مدرکی

۹۸. مراجعه کنید به دعوی KMW. V. Chase Manhattan, 606 F. 2d at 17.

همچنین مراجعه کنید به مقررات U.C.C. 5-112 (1) (a) (Version 1972).

۹۹. برای مثال مراجعه کنید به پاورقی ۳۳. دادگاه مقرر کرد که یک اخطاریه ۳ روزه صادر شود.

توضیح. بدیهی است این اخطاریه توسط بانک صادر کننده و خطاب بدستور دهنده و پس از وصول مطالبه ذینفع صادر می شود، تا دستور دهنده ظرف مهلت مقرر - مثلاً ۳ روز - چنانچه مایل باشد و بتواند، نسبت به تحصیل دستور منع پرداخت اعتبارنامه از دادگاه اقدام کند. (مترجم)

۱۰۰. مراجعه کنید به:

Verkuil, Bank Solvency and Guarantee, Letter of Credit, 26 stan. L. Rev. 723 (1973).

در کلیه اعتبارنامه های ایرانی، اسناد لازم برای مطالبه را ذینفع تهیه و صادر می کرده است.

که حاکی از استحقاق او در مطالبه است، صادر و تهیه کند.^{۱۰۱} همان طور که قبلاً اشاره شد، این نوع اعتبارنامه تضمینی ضمن اینکه J.R. را نسبت به ذینفع کاهش می دهد، در عین حال دستور دهنده را در مقابل مطالبه بیجای او بدون هیچ گونه حمایتی رها می سازد. هزینه تهیه اسناد در این نوع بسیار کم است و منافع ذینفع را با هزینه کمی تأمین می کند.

به همین جهت، ذینفع که قدرت معامله او برتر است، چنین ترتیبی را در صدور اعتبارنامه تضمینی، به دستور دهنده تحمیل خواهد کرد.^{۱۰۲}

۲. بانک آمریکائی صادر کننده اعتبارنامه، بعنوان احراز کننده تخلف دستور دهنده

در این ساختار، بانک صادر کننده واقعیاتی را که ذینفع هنگام مطالبه خود عنوان کرده است، ارزیابی می کند و سرانجام تعیین می نماید که آیا ذینفع حق وصول اعتبار را دارد یا نه؟ چنانچه دستور دهنده در انجام قرارداد یا پرداخت بدهی بشرحی که در اعتبارنامه مقرر است، تخلف کرده باشد، بانک صادر کننده اعتبارنامه آن را تسجیل می نماید. این شکل، متضمن همان عناصری است که در ضمانتنامه وجود دارد؛ یعنی هم J.R. ذینفع را افزایش می دهد و هم متناسب با این افزایش بر حمایت از دستور دهنده در قبال مطالبه بیجای ذینفع می افزاید.

تنها در ضمانتنامه است که هزینه بررسی و احراز واقعیات مستند مطالبه ذینفع، خیلی بیش از هزینه معامله در انواع متداول اعتبارنامه های تضمینی خواهد بود. البته شعبه نهم دادگاه استیناف آمریکا در دعوی Wichita Eagle^{۱۰۳} مقرر نموده است که این نوع ساختار در اعتبارنامه

۱۰۱. بعنوان مثال مراجعه کنید به:

قرارداد بل و همچنین: Dynamics Corp. V. Citizens & Nat'l Bank 356 F. Supp. at 994.

۱۰۲. کلیه مؤسسات ایرانی که روی اعتبارنامه تضمینی معامله کرده اند، این نوع را برگزیده اند.

۱۰۳. مراجعه کنید به دعوی فوق 493 F. 2d 1285. شرایط اعتبارنامه تضمینی، در رأی دادگاه در این دعوا آمده است (343 F. Supp. 332 (N.D. call 971)). اینکه دادگاه مقرر نموده است که اعتبار بلحاظ درج شرایطی

تضمینی، فی الواقع یک ضمانتنامه غیرقانونی تلقی می گردد.

۳. شخص ثالث، بعنوان صادر کننده اسناد لازم جهت مطالبه

جانشین کردن یک شخص ثالث بجای بانک صادر کننده (جهت رسیدگی و احراز واقعیات مستند مطالبه)، این امکان را برای دستور دهنده و ذینفع فراهم می سازد که هم از شمول مقررات منع صدور ضمانتنامه و هم از آنچه در دعوی Wichita Eagle مقرر گردیده است، معاف گردند. در این ساختار، شخص ثالث بیطرفی مطالبه ذینفع را ارزیابی نموده، در صورت معتبر بودن آن، گواهی صادر می کند. شخص ثالث، همانند ضامن در یک ضمانتنامه، مابه ازای خارجی اسناد ذینفع را بررسی می کند و در مورد اینکه واقعاً مطالبه معتبری دارد یا نه، تصمیم می گیرد.

این ساختار، با لزوم ملاحظه و بررسی در واقعیات مستند مطالبه و نه فقط اسناد مربوط، J.R. را نسبت به ذینفع و همچنین حمایت از دستور دهنده در قبال مطالبه بیجا را، افزایش می دهد. ذینفع (در این ساختار) بایستی خیلی بیش از صرف ادعای اینکه مطالبه معتبری دارد - آنچنان که در اعتبارنامه تضمینی متداول است - انجام دهد. حسب شرایط مقرر بین طرفین که خود بسته به قدرت معامله هر کدام از دستور دهنده و ذینفع است، هر چه حوزه و قلمرو رسیدگی شخص ثالث نسبت به واقعیات مابه ازای اسناد وسیع تر باشد، متناسب با آن، هزینه های این ساختار مکانیسم تضمینی نیز افزایش می یابد، و J.R. نسبت به ذینفع بیشتر می شود، و دستور دهنده در قبال مطالبه بیجا از حمایت بیشتری برخوردار خواهد شد.

دستور دهنده و ذینفع می توانند با در نظر گرفتن دادگاه داوری اتاق تجارت بین الملل^{۱۰۴} بعنوان شخص ثالث صادر کننده گواهی لازم جهت

→ در آن، در واقع نوعی ضمانتنامه است که بانکها ممنوع از صدور آن هستند و بایستی غیرقانونی شناخته شود، معذک در تصمیم خود شرایط آن را قابل اجرا دانسته است.

۱۰۴. برای تفصیل مراجع داوری بین المللی متداول دیگر، مانند کانون داوری آمریکا و دادگاه داوری آمریکا، مراجعه کنید به:

VJ. Wetter, *The International Arbitral Process: Public and Private* (1979).

مطالبه، یک مکانیسم تضمینی مطلوب را منضم به یک مکانیسم تأمین منابع مالی فوق العاده خوب بطوریکجا داشته باشند. این مکانیسم بطریق زیر عمل می کند:

۱. قرارداد اصلی بین دستور دهنده و ذینفع حاوی «ماده داوری»^{۱۰۵} بمنظور حل و فصل اختلافات راجع به اعتبار و صحت و سقم مطالبه وجه اعتبارنامه خواهد بود.

۲. داور مربوط استدلالات هر دو طرف را در خصوص معتبر بودن مطالبه استماع می کند و در صورت صحت آن، گواهی منی بر اعتبار مطالبه صادر می کند.

۳. ذینفع یک برات دیداری همراه با گواهی صادره توسط داور را به بانک صادر کننده تسلیم می کند و بانک مذکور در صورت تطبیق اسناد با شرایط اعتبار، مطالبه او را پرداخت می نماید.

هر چه قلمرو رسیدگی شخص ثالث در مورد اسناد محدودتر باشد، هزینه های ذینفع در صدور و تهیه اسناد بیشتر خواهد بود؛ بالعکس، هر چه رسیدگی شخص ثالث حاوی جزئیات بیشتری باشد، هزینه هائی که ضامن بایستی برای رسیدگی و احراز صحت مطالبه ذینفع متحمل شود، کمتر خواهد شد. معمولاً هزینه رسیدگی در داوری کمتر از هزینه دعوی ناشی از مطالبه اعتبار است، و بطور کلی امتیاز داوری این است که نسبت به دادرسی در محاکم، هم هزینه و هم وقت کمتری لازم دارد.

این ساختار، برای دستور دهنده و ذینفع از انعطاف فراوانی برخوردار است. طرفین خود می توانند تعیین کنند که داور، اسناد مطالبه و واقعیات مستند آنها را تا چه میزانی رسیدگی نماید و ذینفع برای تحصیل گواهی از داور بین المللی چه اموری را بایستی اثبات کند؟ با وجود چنین انعطافی، طرفین می توانند ساختار اعتبارنامه تضمینی خود را بر حسب قدرت معامله مربوط، طرح ریزی و مشخص نمایند. دستور دهنده بایستی در

۱۰۵. در مورد «ماده داوری» استاندارد برای مراجعه به داورهای بین المللی گوناگون نگاه کنید به منبع فوق (پاورقی ۱۰۹). صفحه ۵۴۱ - ۴۴۲. و از آن جنبه به ماده حل اختلاف در مقررات I.C.C.

مقابل فشار و اصرار ذینفعی که قدرت معامله برتری دارد، نسبت به قبول اعتبارنامه تضمینی متداول که برای ذینفع مذکور و در مقایسه با استفاده از یک داور بین‌المللی کم هزینه‌تر و مطلوب‌تر است، مقاومت و ایستادگی نماید.

دستور دهنده و ذینفع، می‌توانند بجای برگزیدن یک مرجع داوری بین‌المللی جهت صدور گواهی مبنی بر معتبر بودن مطالبه ذینفع، شخص ثالثی را انتخاب کنند. این شخص ثالث می‌تواند از بین سازمانهای خصوصی یا عمومی نیز باشد. استفاده از یک مرجع غیررسمی، در عین حال که امتیازات در اختیار داشتن شخص ثالثی که صحت و سقم مطالبه ذینفع را مستقلاً و بیطرفانه رسیدگی می‌کند، داراست، می‌تواند کم هزینه‌تر نیز باشد.

۴. دستور دهنده، بعنوان صادر کننده اسناد لازم جهت مطالبه

این ساختار، حمایت از دستور دهنده در قبال مطالبه بیجا را به حداکثر می‌رساند. دستور دهنده در قبال هر مطالبه‌ای از جانب ذینفع و نسبت به اعتبارنامه، حق وتو خواهد داشت. این ساختار، J.R. ذینفع را بطور عمده‌ای افزایش می‌دهد؛ زیرا مجبور است برای اثبات صحت مطالبه خویش به طرف مخالف و معارض آشکار خود تکیه کند. ساختار ساده مذکور، همانند ساختاری که در آن اسناد لازم جهت مطالبه را ذینفع تهیه و صادر می‌کند، هزینه بسیار کمی دارد. البته اگر دستور دهنده موجبات رسیدگی به صحت و سقم مطالبه ذینفع را (توسط غیر) فراهم کند، هزینه آن زیاد خواهد شد؛ زیرا فی الواقع، دستور دهنده، بعنوان یک واقعیت عملی، خود بهتر از هر شخص دیگری می‌داند که آیا نسبت به قرارداد فیما بین تخلف و قصوری کرده است یا خیر. بنابراین اگر قرار باشد که دستور دهنده خود صحت مطالبه ذینفع را رسیدگی نماید، نیازی ندارد که در مقیاس آنچنان وسیع بررسی کند که شخص ناآشنا به قرارداد، مانند

یک مرجع داوری بین‌المللی یا یک ضامن، مجبور است انجام دهد. در مواردی که ذینفع به ملائت و صداقت دستور دهنده اعتماد اصولی دارد، استفاده از ساختار در معاملات بین‌المللی بسیار سودمند خواهد بود.

ذینفعی که دنبال تحصیل یک «مکانیسم تضمینی» است، ساختاری را که مستلزم اتکا و اعتماد به درستکاری و دارائیهای تردیدآمیز دستور دهنده باشد، نخواهد پذیرفت؛ ولی در جایی که ذینفع بتواند اعتماد کند که دستور دهنده مطالبه صحیح وی را پرداخت خواهد کرد، این ساختار می‌تواند مفید باشد. بعنوان مثال، یک شرکت خانوادگی می‌تواند در روابط خود با شعب خارجی اش، این ساختار اعتبارنامه تضمینی را بکار گیرد.

نتیجه

در طول این مقاله، سه جنبه اساسی اعتبارنامه تضمینی مورد بررسی واقع و روشن گردید:

۱. دعوای بل، همراه با سایر دعاوی مربوط به ایران، نشان می‌دهد که محاکم بلحاظ اهداف سودمند اعتبارنامه‌ها، صادر کننده را از اجابت مطالبه ذینفع بشرط انطباق آن با شرایط اعتبار، ممنوع نمی‌سازند. دادگاهها هنگامی پرداخت را ممنوع می‌نمایند که دستور دهنده اثبات کند اسناد ارائه شده توسط ذینفع، مجعول یا متقلبانه هستند؛ اما چون معمولاً ذینفع خود صادر کننده اسناد لازم جهت مطالبه است، بسیار بعید است که چنین اسنادی مجعول یا متقلبانه باشند. تنها موردی که دستور دهنده می‌تواند با اسناد بوقوع «تقلب در معامله» قرار منع پرداخت تحصیل کند، جایی است که اثبات نماید مطالبه ناشی از انگیزه سیاسی بوده است. دادگاه رسیدگی کننده به دعوای «بل»، اصولاً مطالبه ناشی از

انگیزه سیاسی را از جمله اشکال تقلب در معامله شناخته است؛ ولی عقیده دارد که واقعیات موجود در دعوی مذکور قرار منع پرداخت را توجیه و ایجاب نمی کند. دعوی «بل» نشانگر این است که محاکم برای حفظ تمامیت اعتبارنامه های تضمینی بقدری ارزش قائلند که فقط در بارزترین دعاوی مربوط به مطالبه ناشی از انگیزه سیاسی، قرار منع پرداخت صادر خواهند کرد. بنابراین دستور دهندگان بایستی انتظار این را داشته باشند که محاکم تعداد بسیاری از درخواستهای صدور قرار منع پرداخت را، حتی آنهایی که مبتنی بر مطالبه ناشی از انگیزه سیاسی هستند، رد نمایند.

۲. ساختارها و اشکال مختلف اعتبارنامه تضمینی، برحسب سودمندی آنها بعنوان یک مکانیسم تضمینی نیز در این مقاله مورد ارزیابی واقع گردیدند. ساختارهای پیشنهادی برای جانشینی شکل متداول اعتبارنامه تضمینی، لزوماً «بهترین» نیستند؛ ولی حداقل روشها و ترتیبات دیگری را غیر از وضع موجود که ممکن است دستور دهنده و ذینفع مایل به استفاده از آنها باشند، ترسیم می کنند. بدیهی است اعتبارنامه تضمینی بعنوان یک مکانیسم تأمین منابع مالی بطور فوق العاده ای عمل می کند و کارائی دارد.

۳. نقش قدرت معامله در تعیین نوع و ساختار مکانیسم تضمینی که طرفین از آن استفاده خواهند کرد نبایستی فراموش شود؛ ولی محاکم، نه می خواهند و نه می توانند منافع و موقعیت حاصله از قدرت معامله برتر در یک قرارداد را نفی کنند. این قدرت معامله هر کدام از طرفین است که معین می کند در ترتیبات مربوط به اعتبارنامه های تضمینی، از بین ساختارهای مختلف ارائه شده، سرانجام کدام یک را بکار خواهند گرفت.

قدرت معامله برتر دولت شاهنشاهی (سابق) ایران، پیمانکاران آمریکائی را مجبور کرد ساختاری از اعتبارنامه تضمینی را بپذیرند که در آن ذینفع، تهیه و صادر کننده اسناد لازم جهت مطالبه باشد. این نوع اعتبارنامه

تضمینی حاوی هیچ حمایتی از دستور دهنده در مقابل ذینفع بی اعتنا به موازین و قانون شکن نمی باشد؛ زیرا ذینفع خود اسناد لازم را تهیه و صادر می کند. بهمین لحاظ تنها چاره پیمانکاران آمریکائی این بود که اقدام به تحصیل قرار منع پرداختی علیه بانک صادر کننده آمریکائی کنند؛ ولی از آنسو، در جائی که اسناد مطالبه با شرایط اعتبار تطبیق می کرد، محاکم صادر کننده را از پرداخت ممنوع نمی ساختند و چنین قراری صادر نمی کردند.

داد گاه بل رأی داد که این واقعیات (عنوان شده در دعوی) اثبات کننده مطالبه ناشی از انگیزه سیاسی، بعنوان یکی از اشکال تقلب در معامله نیست، و دولت جمهوری اسلامی را در وصول اعتبارنامه مجاز دانست. قاضی Mc Mahon با اظهار این نکته که پیمانکاران آمریکائی ریسک ناشی از عدم ثبات سیاسی را خود پذیرفته اند و لذا «هنگامی که این خطر رخ می نماید و تحقق می یابد، بایستی عوارض و آثار آن رانیز تحمل کنند»، خلاصه مطلب و جان کلام را در یک جمله بیان کرده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی